

شیراز

نشریه فرهنگی = تربیتی مدرسه علمیه معصومیه شیراز
ویژه نامه ماه مبارک رمضان
شعبه / شماره ۱۲ / بهار ۱۴۰۲

بسم الله الرحمن الرحيم

ماہنامہ الطوبی

ماہنامہ الطوبی

ماہنامہ الطوبی

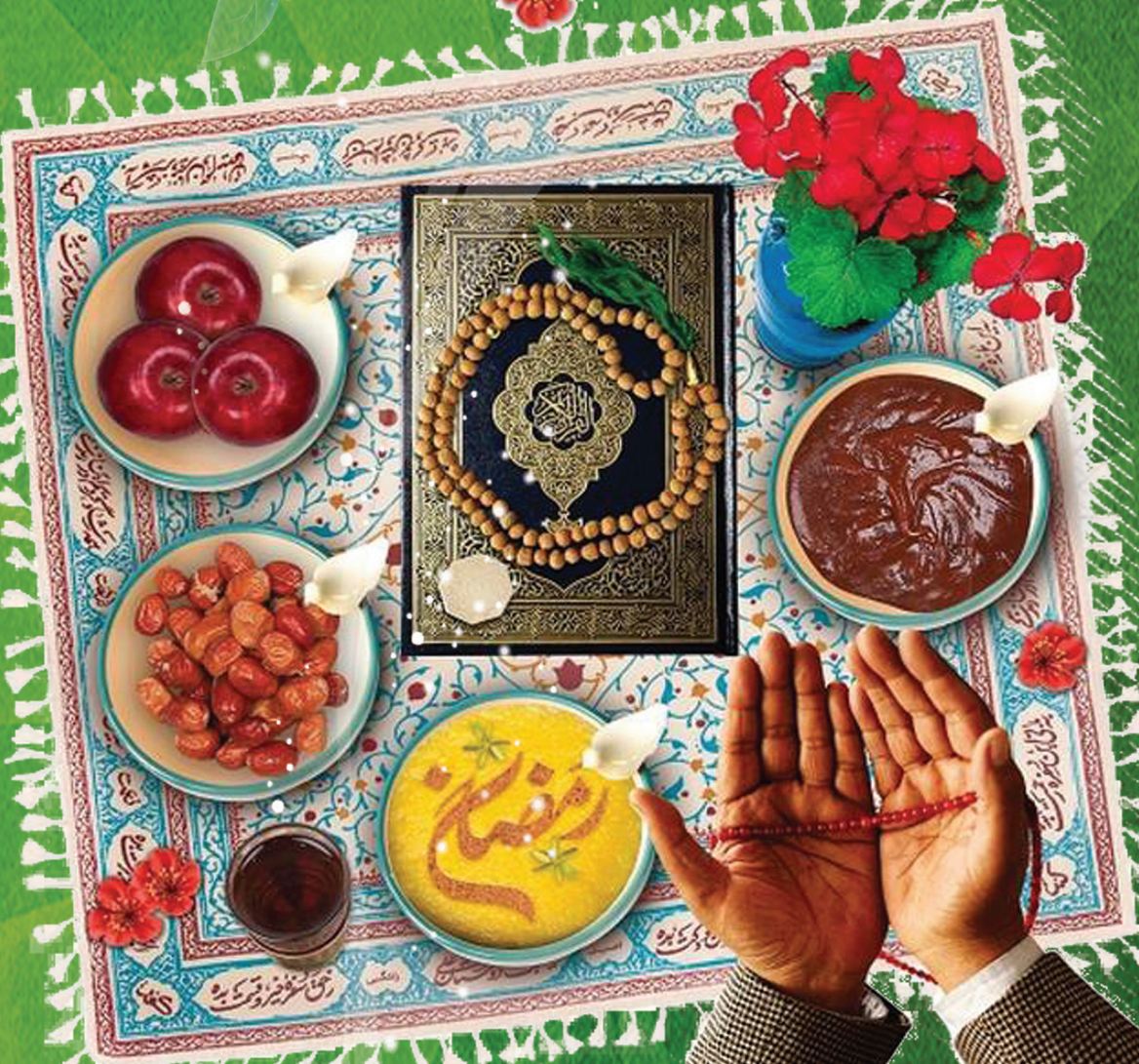
رمضان ماه فرصت و پاداش ها

روش ویژه علامه طباطبائی برای کنترل ذهن

علی (علیه السلام) الگوی خوبی ها

وجه تسمیه نوروز

گنجینه پرسش



بسم الله
الرحمن
الرحيم



لامخبر (مدخله العالي)

بهار معنویت

امسال بهار طبیعت تقارن پیدا کرده است با بهار معنویت؛ ماه رمضان. همچنانی که درباره‌ی بهار فرمودند که: «تن می‌پوشانید از باد بهار»، درباره‌ی بهار معنویت ماه رمضان هم باید تمسک کنیم به این جمله: «ألا فتعرضوا لها»، «إِنَّ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتَ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا». نسیم معنویت در ماه مبارک رمضان شامل حال همه است و خودمان را باید آماده کنیم. دلهایمان را در معرض این نسیم معنوی و الهی و معطر بگذاریم.

۱۴۰۲/۰۱/۰۱



صاحب امتیاز:

مدرسه علمیه معصومیه شیراز

مدیر مسئول: کبری بیگی

سردبیر: زهرا هاشمی آزاد

طراح و ویراستار: سیده آسیه بلادی

هیئت تحریریه:

مریم کیوانفر - فاطمه بهمنی - سهیلا دارائی

سمیه ابراهیمی فرد - زهرا هاشمی آزاد

مریم پرونده - سیده نرگس اسلام پی - زینب خسروی

سیده زهرا رضایی - مریم صادقی

۵	رمضان ماه فرصت ها و پاداش ها
۶	بهار دعا و مناجات با خدا
۸	وجه تسمیه نوروز
۱۱	بهار رویش
۱۲	گنجینه پرسش
۱۷	ناسزاگویی به صاحب المیزان در حضور مؤلفا
۱۹	گزیده ای از توصیه ها و سفارش های امام خمینی (ره)
۲۰	راهکاری برای تدبیر در قرآن
۲۱	روش ویژه علامه طباطبایی (ره) برای کنترل ذهن
۲۲	مروری بر بیانات رهبر معظم انقلاب
۲۵	زندگی سالم
۲۶	بوی بهشت از اینجا میاد
۲۸	نهج البلاغه در کلام اندیشمندان
۳۱	معرفی کتاب «دختران آفتاب»
۳۲	علی (علیه السلام) الگوی خوبی ها
۳۵	لزوم پاسخگویی به شبهات در حوزه اصول دین
۳۶	اخبار مدرسه



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مكتبة

شيفعه/شماره ۱۲ / بهار ۱۴۰۲ ع

رَمَضان یا رَمَضانُ الْمُبَارَك نام نهمین ماه سال قمری که روزه در آن بر مسلمانان واجب است. بنا بر برخی آیات، قرآن در این ماه و در شب قدر نازل شده است. این ماه تنها ماهی است که نام آن به صراحت در قرآن کریم آمده و گرمی داشته شده است. این ماه، نزد مسلمانان احترام و جایگاه ویژه‌ای دارد. از مهم‌ترین عبادت‌های این ماه، تلاوت قرآن، احیای شبهای قدر (شب زنده‌داری)، دعا و استغفار، افطاری دادن و کمک به نیازمندان است.

ماه رمضان، ماه خودسازی و تصفیه روح و به خاطر تأثیری که این ماه در پاکسازی جان از آلودگی‌های گناهان و پاکسازی روان از خطاها دارد، آن را رمضان نامیده‌اند. خداوند همه اسباب را در این ماه برای پالایش روح و روان از آلودگی‌های گناه فراهم نموده و با لطف و رحمت مخصوص خویش همه درها و راه‌ها را در راستای تهذیب نفس و صفای باطن و تکامل معنوی گشوده است. فرصت بسیار خوبی برای انسان‌ها است تا در کنار این سفره بزرگ و متنوع رحمت الهی بنشینند و روح و روان خود را تقویت کنند. همانطور که فروردین آغاز تجدید حیات مادی برای گیاهان در دنیای طبیعت است. ماه رمضان آغاز تجدید حیات معنوی انسان در عالم انسانیت است. در رمضان، مؤمنان با «یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام» (آیه ۱۸۳/سوره بقره) به مهمانی خداوند دعوت شده‌اند، و این مهمانی ویژگی‌هایی دارد:

۱. میزبان، خداوند و مهمانان را شخصاً دعوت کرده است.
۲. وسیله‌ی پذیرایی، شب قدر، نزول قرآن، فرود آمدن فرشتگان، استجابت دعا، لطافت روح، و دوری از دوزخ است.
۳. زمان پذیرایی، ماه رمضان است که به گفته‌ی روایات، اوّل آن رحمت، وسط آن مغفرت و آخر آن پاداش است.
۴. چگونگی پذیرایی، شب قدر به گونه‌ای است که در آن نیاز یک سال مهمانان تأمین می‌شود و زمین با نزول فرشتگان در شب قدر مزین می‌گردد.

۵. غذای این ماه، غذای روح است که برای رشد معنوی لازم است، نه غذای جسم. لطف غذای این مهمانی، آیات قرآن است که تلاوت یک آیه‌ی آن در ماه رمضان، همچون تلاوت تمام قرآن در ماه‌های دیگر است. این مهمانی، هیچ‌گونه همخوانی و شباهتی با مهمانی‌های دنیوی ندارد. خداوند عالم و غنی و خالق و باقی و عزیز و جلیل، میزبان انسان‌های جاهل و فقیر و فانی و مخلوق و ذلیل می‌شود و می‌گوید: «من دعایتان را مستجاب می‌کنم و برای هر نفسی که در ماه رمضان می‌کشید، پاداش تسبیحی عطا می‌کنم».

بنا بر مقتضیات فوق، برخورداری از درک درست از ماه رمضان ماه خودسازی، زمینه و موجبات به دست آوردن مواهب و برکات الهی و هدایا و عطایای ربانی در این ماه را فراهم می‌نماید. نعمتی بسیار بزرگ و موهبتی بسیار عظیم است که بی‌تردید هر کس با بهره‌مندی از آن نیکبختی خود را رقم زده، قله سعادت و ظفرمندی را فتح کرده و مدال پر افتخار رستگاری را نصیب خود می‌کند. نعمتی که از شدت گرانبودگی و ارجمندی نمی‌توان برای آن قیمت و بهایی تعیین کرد. از این رو سزاوار است، کسی که از این نعمت بزرگ بهره‌مند می‌گردد، خداوند را شکر فراوان و سپاس بسیار گوید و بهترین شکرگزاری نیز بندگی و اطاعت از او و در نهایت رفتاری است که نتیجه آن ماه رمضان ماه خودسازی باشد.

«لَوْ عَلِمْتُمْ مَا لَكُمْ فِي رَمَضانَ لَزِدْتُمْ لِلّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى شُكْرًا»؛ اگر بدانید در رمضان چه برای شما تقدیر شده است، سپاس خود را برای خدا افزون می‌کنید.

(وسایل الشیعه، ج ۶، ص ۱۷۴)

بهار دعا و مناجات با خدا

استغفار دعای مؤکد ماه رمضان

«أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ» خودش یک دعا است. چون از خدا تقاضای مغفرت می‌کنیم. دعا چیست؟ دعا همین است که از خدا تقاضا کنیم و او را صدا کنیم. بیش از این که نیست! حضرت اول می‌فرماید بر شما باد در ماه رمضان به کثرت استغفار؛ یعنی این دعا را زیاد بخوانید! این دعا، یک «دعای خاص» است. بعد می‌فرماید زیاد دعا کنید! «وَالدُّعَاءُ»؛ با اینکه استغفار هم خودش دعا است. از این که استغفار که یک دعا «خاص» است، قبل از دعا که یک مطلب «عام» است ذکر شده، معلوم می‌شود که در ماه رمضان، روی این دعای خاص، اثر خاصی مترتب است. این که بحث استغفار را پیش می‌کشد، ما می‌گوییم «ذکر خاص، قبل از عام» فرموده است و این بر خلاف روش متعارفی است که ما طلبه‌ها در مدرسه می‌گوییم «ذکر خاص بعد از عام». معارفمان را ببینید که چگونه است؛ اینها را می‌گوییم تا شما بفهمید که در این لیالی قدر باید چه کار کنید. إن شاء الله. در یک روایت دیگر از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده است که حضرت فرمودند: «يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ»؛ خداوند در هر شب از ماه رمضان سه مرتبه می‌فرماید: «هَلْ مِنْ سَائِلٍ فَأَعْطِيَهُ سُؤْلَهُ»؛ آیا درخواست کننده‌ای هست که از من درخواست کند و درخواستش را بگیرد؟ بعد می‌گوید: «هَلْ مِنْ تَائِبٍ فَأَتُوبَ عَلَيْهِ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَأَغْفِرَ لَهُ»؛ آیا کسی هست که توبه کند، تا من به او روی

در باب دعا کردن در این ماه، ما دو دسته روایت داریم؛ یک دسته از روایات - مثل روایت قبل - به طور کلی این معنا را مطرح می‌فرماید که در ماه مبارک رمضان، دعا‌های انسان به اجابت نزدیک‌تر بوده و این زمان روی اجابت دعا اثر دارد؛ «وَوَعَدُكُمْ الْإِجَابَةَ». در روایات متعدد این معنا آمده است. یک دسته از روایات است که فقط این معنا را مطرح می‌کند که در این ماه، دعا مستجاب می‌شود.

مهم دسته دوم است که در آنها می‌بینیم بر روی یک دعای خاصی تأکید شده است، آن هم به دو نحو؛ گاهی به شکل ذکر «خاص قبل از عام» و گاهی به شکل ذکر «خاص بعد از عام».

به عنوان نمونه به دو روایت اشاره می‌شود؛ روایت اول از امیرالمؤمنین (علیه السلام) است که فرمودند: «عَلَيْكُمْ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِكَثْرَةِ الْأَسْتِغْفَارِ وَ الدُّعَاءِ، فَأَمَّا الدُّعَاءُ فَيُدْفَعُ بِهِ عَنْكُمْ الْبَلَاءُ وَ أَمَّا الْأَسْتِغْفَارُ فَيَمْحَى ذُنُوبَكُمْ». بر شما باد به زیاد استغفار کردن و زیاد دعا کردن در ماه مبارک رمضان؛ چرا که دعا از شما دفع بلا می‌کند و با استغفار هم گناهانتان پاک می‌شود. در اینجا علی (علیه السلام) اول می‌گوید در ماه رمضان، زیاد استغفار کنید؛ «عَلَيْكُمْ بِكَثْرَةِ الْأَسْتِغْفَارِ»؛ بعد می‌گوید زیاد دعا کنید؛ «وَالدُّعَاءِ». حال آنکه «استغفار» خودش یک دعا است. آوردن «استغفار» در کنار «دعا» نشانه خصوصیت آن است، صلوات هم دعا است؛ استغفار هم دعا است.

آورم؟ آیا کسی هست که طلب مغفرت داشته باشد، تا من او را ببخشم؟ در اینجا اول درخواست کردن را مطرح کرد، بعد یک درخواست خاص که عبارت است از استغفار و توبه. اینجا خاص بعد از عام ذکر شده است. اول به درخواست کننده، یعنی دعا کننده اشاره فرمود؛ مفاد دعا و درخواستش هر چه می‌خواهد باشد. بعد می‌آید سراغ مسأله توبه و استغفار و آنها را به عنوان یک دعای خاص مطرح می‌کند. این روایت، عکس آن صورت قبلی است که خاص قبل از عام ذکر شده بود؛ اما اینجا خاص بعد از عام آمده است. سرّ تاکید بر «استغفار» در این ماه حالا مسأله مهم و آنچه که جنبه کاربردی دارد این است که با توجه به این روایات، ما می‌فهمیم که روی این دعای خاص در ماه مبارک رمضان، خیلی سفارش شده است و آن مسأله درخواست عفو الهی نسبت به گناهان است. لازم به ذکر است که این یک بحث عقلی است که «دفع ضرر» اولی از «جلب منفعت» است. «دفع ضرر» یعنی کاری کنی که ضرری متوجه تو نشود، اولی و مقدم است بر اینکه «جلب منفعت» کنی، یعنی آنچه را که به درد می‌خورد تحصیل کنی. اگر ضرری متوجه من شده است، ولی گرفتار به آن نشده‌ام این یک بحث دیگر است؛ «دفع» ضرر نیست؛ «رفع» آن است. یک وقت می‌گویی مراعات کنم که مریض نشوم؛ تو اینجا «مرض» را از خودت دفع کرده‌ای. یک وقت مریض شده‌ای، می‌گویی بروم و بیماری‌ام را علاج کنم. دومی خیلی بالاتر است. این رفع ضرر است. دعا موجب دفع بلا است، استغفار رفع آن؛ لذا علی (علیه‌السلام) در آن روایت می‌فرماید: «عَلَيْكُمْ بِكَثْرَةِ الْإِسْتِغْفَارِ وَالدَّعَاءِ»؛

اول استغفار، بعد دعا! بعد هم که می‌خواهد دلیلش را بفرماید، می‌فرماید: «فَيُدْفَعُ بِهِ عَنْكُمْ الْبَلَاءُ»؛ یعنی اگر شما دعا کردید، نفس دعا جلوی بلا را می‌گیرد. ممکن است برای یک چیز خاصی دعا کنید؛ مثلاً ممکن است در مورد وسعت رزق یا سلامتی و یا هر چیز دیگر دعا کرده باشید؛ اما با همین دعا اگر بنا بود بلایی متوجه شما شود، به واسطه این درخواست، خداوند جلوی آن بلا را می‌گیرد و آن را دفع می‌فرماید. این اثر برای دعا هست. اما برای استغفار اثر بالاتری را می‌گویید. می‌گویید استغفار گناهانت را محو می‌کند. اثر دعا «دفع» بود ولی اثر این دعای خاص «رفع» است. رفع مقدم و اولی است یا دفع؟ مسلماً رفع اولی است. اینکه روایات ما به دو لسان «ذکر خاص بعد از عام» و «ذکر خاص قبل از عام» وارد شده است، سرّش این است. چون این دعای خاص، نسبت به تمام دعاهاى دیگر اولویت دارد. این کاشف از این است که بالاترین و شدیدترین اثری را که این زمان - ماه مبارک رمضان - بر روی دعاها دارد، روی این دعای خاص است. یعنی در ماه مبارک رمضان اگر کسی طلب غفران کند، استغفار کند و توبه کند، اثرش برای اجابت قوی‌تر است؛ هم نسبت به همه دعاها و هم نسبت به همه زمان‌ها. لذا ما باید قدر این اوقاتمان را در ماه مبارک رمضان بدانیم و بهترین بهره‌برداری را داشته باشیم. بالاترین بهره‌برداری همین توبه و استغفار است. مریضی که بیماری دارد چه باید بکند؟ اول باید خودش را علاج کند. البته این هیچ منافات ندارد با آن که هم رفع موانع را از خدا بخواهیم و هم دفع آنها را بخواهیم.

بزرگان به شادی بیاراستند می و جام و رامشگران خواستند

وجه تسمیه نوروز

نوروز به معنای روز نو، عید اول سال، روز اول فروردین که جشن ملی ایرانیان است، نوروز سلطانی هم می‌گویند. نوروز در زمانهای قدیم در اول بهار نبود، بلکه در فصول سال می‌گشت و گاه به بهار و گاه به تابستان و گاه به زمستان می‌افتاد. در سال ۴۷۱ ق به فرمان جلال الدین ملک‌شاه سلجوقی (۴۶۵ - ۴۸۵) حکیم عمر خیام و چند منجم دیگر تقویم جلالی را تنظیم کرده و نوروز را در اول بهار یا نخستین روز برج حمل قرار دادند (محمد معین فرهنگ، ج هشتم، تهران، امیرکبیر، ۷۱، ج ۴، ص ۴۸۴۲، و ابوریحان بیرونی، آثار الباقیه ترجمه اکبر دانا سرشت، تهران، چ سوم، امیرکبیر، ۶۳، ص ۲۹۰، و فرهنگ عمید، واژه نوروز). در ایران باستان دو جشن داشتند، یکی جشن مهرگان در آغاز فصل سرما و جشن نوروز در آغاز فصل گرما که از اول فروردین آغاز می‌شد. و هر دو را به خاطر آغازین روز فصل گرما و یا سرما نوروز می‌گفتند و مدت اجرای جشنها در نوروز چند روز بود (فرهنگ معین، پیشین، به نقل از ابوریحان بیرونی، التفهیم، ص ۲۵۳). و گفته شده به این خاطر آن را نوروز نامیده‌اند که در آن روز جمشید پادشاه ایران (باستان) مردم را بشارت دادی به بی‌مرگی و تندرستی و آموزندگی و هم اندرین روز بود که کیومرث دیو را بکشت (همان، ص ۲۵۴). فردوسی شاعر شیرین سخن پارسی گوی، درباره علت نامیده شدن این روز به نوروز چنین می‌سراید:

جهان انجمن شد بر تخت روی فرومانده از فرۀ بخت اوی
بجمشید بر گوهر افشاندند هر آن روز را روز نو خواندند
سر سال نو هر مز فروردین بر آسوده از رنج تن دل ز کین
بزرگان به شادی بیاراستند می و جام و رامشگران خواستند
چنین روز فرخ از آن روزگار بماند از آن خسروان یادگار

فردوسی نیز معتقد است که نوروز آغازین روز پادشاهی جمشید است که شادی و سلامتی را برای مردمان خود نوید داده است و آن را بدان جهت نوروز نامیده‌اند. مورخینی مثل مسعودی نیز نوروز را روز اول بهار و اول فروردین نامیده‌اند که آغاز فصل گرما بعد از سپری شدن فصل سرماست (مسعودی، مروج الذهب، ترجمه پاینده، چ چهارم، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۵۵۴). یعقوبی نیز درباره نوروز چنین آورده است: «اول سال ایرانیان روز نوروز یعنی روز اول فروردین است که

در نیشان و آزار می‌باشد و هنگامی که خورشید به برج حمل درآمده است، این روز عید بزرگ ایرانیان است. دیگر عید مهرگان یعنی روز شانزدهم مهرماه است. در میان نوروز و مهرگان صد و هفتاد و پنج روز یعنی پنج ماه و بیست و پنج روز فاصله است...» (ابن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ترجمه آیتی، چ هفتم، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۱۶ - ۲۱۷). در عید بزرگ سال نوروز (روز اول فروردین و آغازین روز فصل بهار) و مهرگان (در فصل پائیز) بزرگان هدایا تقدیم می‌کردند هر کس چیزی را که بسیار دوست می‌داشت، هدیه می‌کرد (کریستین سن، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، چ نهم، تهران، دنیای کتاب، ۷۴، ص ۵۳۶). درباره سبب نامیده شدن نوروز در نزد ایرانیان علاوه بر مطالب فوق، سخنان بسیاری گفته شده است از جمله دانشمند بزرگ ایرانی جناب ابوریحان بیرونی (۳۶۰ - ۴۴۰) مطالب بسیار شیوا و زیبایی نوشته که به اختصار اشاره می‌شود تا پرسشگر محترم به خواسته و مطلوب خویش نائل شود و نویسنده را از دعای خیر فراموش نکند: «نخستین روز فروردین نوروز است که اولین روز سال نو است و نام پارسی آن بیان کننده این معنا است و این روز با وارد شدن آفتاب به برج سرطان آغاز می‌شود... خورشید در مکانی قرار می‌گیرد که ... نزول باران و برآمدن شکوفه‌ها و برگ آوردن درختان تا هنگام رسیدن میوه‌ها و تمایل حیوانات به تناسل و آغاز نو تا تکامل و (بلوغ نهایی و رسیدن میوه‌ها) طی کند. این بود که نوروز را دلیل پیدایش و آفرینش جهان دانستند و گفته‌اند در این روز بود که خداوند افلاک را پس از آن که مدتی ساکن بودند به گردش در آورد و ستارگان را پس از چندی متوقف گردانید و خورشید را... آفرید و... آغاز شمارش از این روز شد و گفته‌اند که خداوند عالم سفلی را در این روز آفرید و کیومرث در این روز به شاهی رسید... و نیز گفته‌اند خداوند در این روز خلق (آدم) را آفرید. نقل شده از پیامبر - صلی الله علیه و آله - از ابن عباس که در روز نوروز جامی سیمین که پر از حلوا بود برای پیغمبر هدیه آوردند و آن حضرت پرسید که این چیست؟ گفتند امروز روز نوروز است، پرسید که نوروز چیست؟ گفتند عید بزرگ ایرانیان است فرمود: آری در این روز بود که خداوند... هزاران مردم را پس از مرگشان زنده نمود و بر آنها باران به دستور خدا بارید... و روزی است که

سلیمان آغاز پادشاهی نموده است... گفته شده که در این روز فیروز (نام فرشته) ارواح را برای آفرینش مردم حرکت می‌داد و فرخنده‌ترین ساعات آفتاب است که در صبح نوروز فجر و سپیده در نزدیک‌ترین نقطه زمین واقع می‌شود و نگاه کردن به خورشید برکت است و نام نوروز به زبان پارسی هرمزد است که اسم خدای تعالی است (چون خداوند در هر لحظه نوآفرین است). (و)... برخی از علمای ایران می‌گویند سبب اینکه این روز را نوروز می‌نامند این است که در ایام تهمورث صابئه آشکار شدند و چون جمشید به پادشاهی رسید دین را تجدید کرد و این کار خیلی بزرگ به نظر آمد و آن روز را که روز تازه‌ای بود جمشید عید گرفت اگر چه پیش از این هم نوروز بزرگ و معظم بود... و در این ایام گفته شده است که خداوند آفرینش جهان

را تمام کرد و (زرتشت پیامبر (مجوس) در این روز به پیامبری برگزیده شد). و ایرانیان این روز را روز قسمت سعادت می‌دانند و روز امید نام نهادند - چون در این روز آغاز زنده شدن طبیعت و زندگی هستی است که امید را در دل زنده می‌کند - و همچنین گفته شده در این روز شر ابلیس از مردم برچیده شد و هر کس خشکی سبز شد و مردم گفتند (روز نو) و هر کس در این روز در طشتی جو کاشت، سپس این رسم در ایرانیان پایدار ماند - که امروز سبزی در سفره هفت سین می‌چینند - و... (اقتباس ابوریحان بیرونی، پیشین، ص ۳۲۴).

برای مطالعه بیشتر به آثار الباقیه و رساله نوروزیه در مقالات تاریخی آقای رسول جعفریان مراجعه کنید.

منبع: مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات (حوزه‌های علمیه)



بهار رویش

ماه رمضان و شب قدر در آینه احادیث

رسول الله (صلی الله علیه و آله): مَا مِنْ نَفَقَةٍ إِلَّا وَيَسْأَلُ الْعَبْدُ عَنْهَا، إِلَّا النَّفَقَةَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ صَلَّةً لِلْعِبَادِ، وَكَانَ كَفَّارَةً لِدُنُوبِهِمْ، وَمَنْ تَصَدَّقَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِصَدَقَةٍ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فَمَا فَوْقَهَا؛ إِذَا كَانَ أَثْقَلَ عِنْدَ اللَّهِ عِزُّهُ وَجَلَّ مِنْ جِبَالِ الْأَرْضِ ذَهَبًا تَصَدَّقَ بِهَا فِي غَيْرِ رَمَضَانَ.

هیچ خرج کردن نیست، مگر آن که بنده از آن سؤال می شود، مگر خرج کردن در ماه رمضان در راه احسان به بندگان و این، کفاره گناهان می شود. هر کس در ماه رمضان به اندازه سنگینی ذره ای یا بالاتر از آن صدقه دهد، نزد خداوند سنگین تر از کوه های زمین از طلاست که در غیر ماه رمضان صدقه دهد (ماه خدا، جلد اول، محمد محمدی ری شهری، صفحه ۳۲۴).
(بحار الأنوار: ۹۶ / ۳۴۵ / ۹ نقلاً عن القطب الراوندي في النوادر عن عبد الله بن مسعود).

الإمام عليّ (عليه السلام): إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) سَارَ إِلَى بَدْرٍ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، وَافْتَتَحَ مَكَّةَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ.

پیامبر خدا، در ماه رمضان به جنگ بدر رفت و در ماه رمضان نیز مکه را فتح کرد (حکمت نامه پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم)؛ جلد دوازدهم محمد محمدی ری شهری، صفحه ۳۸).
(الأمالي للطوسي: ص ۳۴۲ ح ۷۰۱ عن عبدالله بن ابراهيم، بحار الأنوار: ج ۱۹ ص ۲۷۳ ح ۱۳).



الإمام الصادق (عليه السلام): كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) إِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنَّهُ قَدْ دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ، اللَّهُمَّ رَبِّ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَتْ فِيهِ الْقُرْآنُ وَجَعَلْتَهُ بَيْنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ. اللَّهُمَّ فَبَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، وَأَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ وَصَلَاتِهِ، وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا.

چون ماه رمضان فرا می رسید، پیامبر خدا (صلى الله عليه و آله و سلم) می فرمود: «خداوند! ماه رمضان وارد شد. خداوند! ای پروردگار ماه رمضان؛ ماهی که در آن، قرآن را فرو فرستادی و آن را نشانه هایی روشن از هدایت و فرقان (جدا کننده حق و باطل) قرار دادی! خداوند! در ماه رمضان برای ما برکت قرار بده و ما را بر روزه داری و نماز آن، یاری کن و آن را از ما بپذیر» (حکمت نامه پیامبر اعظم (صلى الله عليه و آله و سلم) جلد یازدهم؛ محمد محمدی ری شهری، صفحه ۱۰۸). الإقبال: ج ۱ ص ۱۳۷، بحار الأنوار: ج ۹۷ ص ۳۴۰ ح ۱.

تفسير القمى: قِيلَ لِأَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام): تَعْرِفُونَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ؟ فَقَالَ: «وَكَيْفَ لَا نَعْرِفُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَالْمَلَائِكَةُ يَطُوفُونَ بِنَا فِيهَا».

به امام باقر (عليه السلام) گفتند: شب قدر را می شناسید؟ فرمود: «چگونه شب قدر را نشناسیم، در حالی که فرشتگان در آن شب بر گرد ما می چرخند؟!» (ماه خدا جلد دوم، محمد محمدی ری شهری، صفحه ۷۶۲).

تفسير القمى: ۲ / ۴۳۱، بحار الأنوار: ۹۷ / ۱۴ / ۲۳.

تهذيب الأحكام عن زرارَةَ عن الإمام الباقر (عليه السلام)، قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ. قَالَ: «هِيَ لَيْلَةُ إِحْدَى وَعِشْرِينَ، أَوْ ثَلَاثَ وَعِشْرِينَ». قُلْتُ: أَلَيْسَ إِنَّمَا هِيَ لَيْلَةٌ؟ قَالَ: «بَلَى»، قُلْتُ: فَأَخْبِرْنِي بِهَا. فَقَالَ: «وَمَا عَلَيْكَ أَنْ تَفْعَلَ خَيْرًا فِي لَيْلَتَيْنِ؟»

تهذيب الأحكام - به نقل از زرارهِ: از امام باقر (عليه السلام) درباره شب قدر پرسیدم. فرمود: «شب بیست و یکم یا بیست و سوم است». گفتم: مگر نه این که شب قدر، یک شب است؟ فرمود: «آری». گفتم: پس، آن را به من خبر بده. فرمود: «چه عیبی دارد که در دو شب، کار خیر انجام

دهی؟!» (مراقبات ماه رمضان، محمد محمدی ری شهری، صفحه ۳۶۶). تهذيب الأحكام: ج ۳ ص ۵۸ ح ۲۰۰، بحار الأنوار: ج ۹۷ ص ۴ ح ۴.

الإمام الصادق (عليه السلام): مَنْ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ إِلَى مِثْلِهِ مِنْ قَابِلٍ إِلَّا أَنْ يَشْهَدَ عَرَفَةَ.

کسی که در ماه رمضان آمرزیده نشود، تا رمضان آینده آمرزیده نگردد مگر آن که در عرفه حاضر شود (میزان الحکمه جلد چهارم، محمد محمدی ری شهری، صفحه ۵۲۲). بحار الأنوار: ۳۴۲/۶/۹۶.

رسول الله (صلى الله عليه و آله) - فِي آدَابِ شَهْرِ رَمَضَانَ -: أَكْثَرُوا فِيهِ مِنْ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله - در بیان آداب ماه رمضان -: در این ماه، زیاد قرآن بخوانید (ماه خدا جلد اول، محمد محمدی ری شهری، صفحه ۳۲۶).

فضائل الأشهر الثلاثة: ۹۵ / ۷۸ عن محمد بن أبي عمير عن غير واحد عن الإمام الصادق (عليه السلام).

عَلِيُّ بْنُ حَدِيدٍ: كُنْتُ مُقِيمًا بِالْمَدِينَةِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ سَنَةً ثَلَاثَ عَشْرَةَ وَمِائَتَيْنِ، فَلَمَّا قَرَّبَ الْفِطْرَ كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَسْأَلُهُ عَنِ الْخُرُوجِ فِي عُمْرَةِ شَهْرِ رَمَضَانَ أَفْضَلُ أَوْ أَقِيمُ حَتَّى يَنْقُضِيَ الشَّهْرَ وَأَتِمَّ صَوْمِي؟ فَكَتَبَ إِلَيَّ كِتَابًا قَرَأْتُهُ بِخَطِّهِ: سَأَلْتُ رَحِمَكَ اللَّهُ عَنِ أَىِّ الْعُمْرَةِ أَفْضَلُ، عُمْرَةَ شَهْرِ رَمَضَانَ أَفْضَلُ يَرْحَمُكَ اللَّهُ.

در سال ۲۱۳ در ماه رمضان ساکن مدینه بودم. چون عید فطر نزدیک شد، به امام جواد (عليه السلام) نوشتم و از او پرسیدم که برای عمره ماه رمضان بیرون شوم برتر است، یا آن که صبر کنم تا ماه به پایان برسد و همه روزه هایم را بگیرم؟ نامه ای به خط خویش برایم نوشت: رحمت خدا بر تو، پرسیدی که کدام عمره برتر است، عمره ماه رمضان برتر است. خدای رحمت کند (حج و عمره در قرآن و حدیث، محمد محمدی ری شهری، صفحه ۴۶۴).

آیا امام علی (علیه السلام) پیش‌بینی کرده بود که بر اثر افزایش گناهان در آخرالزمان، مردم آن دوره در تشخیص و رؤیت هلال ماه رمضان و عید فطر دچار مشکل خواهند شد؟!

پاسخ اجمالی:

تأثیر گناهان در زندگی انسان، از امور مسلمی است که آیات قرآن و روایات بر آن تصریح دارد. برخی از این آثار موجب خسران ابدی او شده، و بسیاری نیز در حد یک اخطار و هشدار است. آنچه در پرسش آمده ناظر به روایتی از امام علی (علیه السلام) است که فرمود: زمانی خواهد آمد که جامعه دچار گسترش بسیاری از رفتارهای ناپسند خواهد بود:

۱. کارهای زشت آشکار شده و در نگاه مردم به صورت امری عادی دیده می‌شود.
۲. پرده‌های عفت و شرم پاره می‌گردد.
۳. زنا علنی می‌شود.
۴. اموال یتیمان حلال شمرده شده و توسط دیگران به تاراج می‌رود.
۵. رباخواری گسترش می‌یابد.
۶. مردم در ترازو و پیمانه، کم می‌گذارند.
۷. شراب را به نام (دیگری مانند) نبیذ حلال می‌دانند.
۸. با عناوینی مانند هدیه و شیرینی به رشوه‌خواری می‌پردازند.
۹. تحت پوشش امانت‌داری به خیانت می‌پردازند.
۱۰. مردها خود را به شکل زنان و زنان خویش را به صورت مردها در می‌آورند.
۱۱. به احکام و دستورات مرتبط با نماز اهمیتی نمی‌دهند.
۱۲. برای غیر خدا (و برای ریا، تفریح و یا تجارت) عازم سفر حج می‌شوند.

امام (علیه السلام) سپس ادامه داد: کیفر این گناهان آن است که خداوند آنها را گاهی از فیض‌های خود محروم می‌کند، تا جایی که در برخی سال‌ها هلال ماه (شوال) را دو مرتبه می‌بینند و گاهی از نظرشان مخفی می‌شود؛ به طوری که در اول ماه رمضان روزه نمی‌گیرند و در آخر ماه که روز عید بوده (و روزه در آن حرام است) روزه می‌گیرند. (به عبارتی، حتی افرادی که تا اندازه‌ای مقید به رعایت شرایع دینی هستند نیز به دلیل سکوت و مماشات، دچار مشکل می‌شوند). در این زمان باید از آن ترسید که به طور ناگهانی دچار عذاب شوند؛ چرا که به دنبال آن کارها، بلاها مردم را فرا می‌گیرد، تا جایی که بسیاری از افراد در بامداد کاملاً سالم‌اند، ولی شب در دل خاک و قبر آرام می‌گیرند و گاهی شب را با سلامت کامل به خواب می‌روند، اما بامدادان نامشان در میان مردگان ثبت خواهد شد (مرگ ناگهانی فراوان خواهد شد). در چنین روزگاری لازم است انسان همیشه وصیتش در کنارش باشد، مبدا بلایی بر او فرود آید (و بدون وصیت بمیرد). همچنین مناسب است نماز را در اول وقتش بخواند؛ چون ممکن است تا آخر وقت زنده نباشد. هر یک از شما آن زمان را درک کرد بدون طهارت (وضو) نخوابد و اگر امکان دارد همیشه با طهارت باشد؛ چون ترس آن است که مرگ ناگهانی برسد و او نداند که فرشته مرگ برای قبض روح او می‌آید. من به شما هشدار دادم، اگر بترسید! و آگاه نمودم، اگر آگاه گردید! و به شما پند

گزینه پرسش

دادم، چنانچه پند گیرید! پس در پنهانی و آشکار از خدا بترسید و نباید کسی از شما بمیرد، مگر این که مسلمان باشد؛ زیرا هر کس به غیر از اسلام آیینی داشته باشد از او پذیرفته نیست و در آخرت زیان کار است (شیخ صدوق، فضائل الأشهر الثلاثة، محقق، مصحح، عرفانیان یزدی، غلامرضا، ص ۹۱، قم، کتاب فروشی دآوری، چاپ اول، ۱۳۹۶ق).

در سلسله سند این روایت نام افراد زیر آمده است:

۱. احمد بن محمد بن یحیی عطار، اگرچه برخی از شخصیت‌شناسان وی را از راویان ناشناسی می‌دانند که در مورد او سخنی گفته نشده است (حلی، حسن بن علی بن داود، الرجال، محقق، مصحح، بحر العلوم، محمدصادق، ص ۴۴، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۴۲ش). اما از آن جا که افراد ثقه از وی بسیار روایت نقل کرده‌اند؛ می‌توان حدس زد که او نیز ثقه و مورد اعتماد است («ثقه بودن احمد بن محمد بن یحیی العطار»، ۲۱۲۸).

۲. سعد بن عبدالله؛ ثقه و مورد اعتماد (طوسی، محمد بن حسن، فهرست کتب الشیعه و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ص ۲۱۵، قم، ستاره، چاپ اول، ۱۴۲۰ق).

۳. ابوالجوزاء منبه بن عبدالله؛ ثقه و مورد اعتماد (علامه حلی، حسن بن یوسف، رجال العلامة الحلی، ص ۲۷۱، نجف اشرف، دار الذخائر، چاپ دوم، ۱۴۱۱ق).

۴. حسین بن علوان کلبی؛ ثقه و مورد اعتماد (نجاشی، احمد بن علی، فهرست أسماء مصنفی الشیعه (رجال نجاشی)، ص ۵۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۶۵ش).

۵. عمرو بن ثابت بن هرمز حداد؛ نام وی عمر بن ابی المقدام بود (رجال العلامة الحلی، ص ۲۷۰). اگرچه برخی او را مورد انتقاد قرار داده‌اند؛ اما ثقه و مورد اعتماد است (واسطی بغدادی، احمد بن حسین، الرجال (لابن الغضائری)، محقق، مصحح، حسینی، محمد رضا، ص ۱۱۱، قم، دار الحدیث، چاپ اول، ۱۳۶۴ش).

۶. سعد بن ظریف؛ اگر سعد بن ظریف (با ظاء) باشد، در کتاب‌های رجالی، سخنی در مورد او یافت نشده است؛ اما اگر مراد سعد بن ظریف (با طاء) باشد، در کتاب‌های رجالی ضعیف شمرده شده است (همان، ص ۶۴).

۷. اصبع بن نباته؛ از خواص امام علی (علیه السلام) به شمار می‌آمد (فهرست کتب الشیعه، ص ۸۸).

در نتیجه این حدیث به دلیل حضور سعد بن ظریف (ظریف) دچار ضعف است؛ اما به دلیل مخالفت نداشتن محتوای آن با آموزه‌های دینی می‌توان آن را پذیرفت («بروز آثار گناه در نسل های بعد»، ۱۰۷۶۲؛ «تأثیر

لقمه حرام و محیط، در انسان» ۱۰۶۰۴).

به عبارت دیگر، روایت ناظر به اثر وضعی اعمال انسان است؛ چراکه عالم هستی، عالم اسباب و مسببات است؛ در نتیجه بسیار اتفاق خواهد افتاد که انسان نتیجه‌ی اعمال و رفتار ناشایست خویش را در همین دنیا با چشم خویش ببیند، و اگرچه تمام این رفتارهای ناپسند در زمان پیامبران و ائمه (علیهم السلام) نیز وجود داشت؛ اما در آخر الزمان گسترش بیشتری می‌یابد.

آیا فردی که کردار نیک‌ی را نیز در پرونده اعمال خود دارد، آیا می‌تواند با انجام گناهانی؛ چون بی‌حجابی، رقص در برابر نامحرم و ... امید به بخشش پروردگار داشته باشد؟

پاسخ اجمالی:

یک فرد با ایمان نمی‌تواند به صورت گزینشی بخشی از دین را پذیرفته و به بخش دیگر آن اعتقادی نداشته باشد، اما انسان‌های غیر معصوم در مقام عمل همواره گناهانی را نیز در پرونده اعمالشان دارند که اگر انجام گناه به صورت یک رویه در زندگی افراد در نیامده، بلکه با پوزش خواهی و پشیمانی همراه باشد، امید بسیار است که خدا از کاستی هایشان صرف نظر کرده و هم نشین صالحانشان گرداند، اما در غیر این صورت و با فرض تکرار و اصرار بر گناه نمی‌توان خویشتن را به دلیل برخی کردارهای نیک مستحق بخشش دانست.

پاسخ تفصیلی:

نگاهی به آیات نورانی قرآن کریم می‌تواند روشنگر افرادی باشد که رفتار نیک و زشت را با هم در پرونده اعمالشان دارند. به برخی از این آیات توجه فرمایید:

۱. «أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَ تَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ»؛ آیا به برخی از دستورات قرآن ایمان آورده و برخی دیگر را مورد انکار قرار می‌دهید! (بقره/ ۸۵).

۲. «يَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَ نَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا»؛ برخی ناسپاسان می‌گویند که ما بخشی از دستورات دین را مورد پذیرش قرار داده و بخش دیگری را نمی‌پذیریم و می‌خواهند راه میانه‌ای بین کفر و اسلام برگزینند! (نساء/ ۱۵۰).

۳. «وَ آخَرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَ آخَرَ سَيِّئًا عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ و گروهی هستند که اعمال نیک و زشت را در پرونده خود داشته و به گناهانشان معترفند. شاید پروردگار توبه آنان را بپذیرد و یقیناً او آمرزنده و مهربان است (توبه/ ۱۰۲).

۴. «وَ الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَ مَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَمْ يُصِرُّوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَ هُمْ يَعْلَمُونَ»؛ و گروهی از افراد با ایمان وجود دارند که هرگاه کار زشتی انجام داده و

یا بر خویشتن ستم روا کردند، به یاد خدا افتاده و از انجام این گناهان پوزش می طلبند و چه کسی جز خدا می تواند این گناهان را بیامرزد و هنگامی که بر زشتی کرداری آگاه شدند، اصرار بر تکرار آن ندارند (آل عمران/ ۱۳۵).

از مجموعه آیات اشاره شده و دیگر منابع اسلامی، می توان نتیجه گرفت که یک انسان مؤمن نمی تواند به صورت گزینشی با دین برخورد کرده و بخشی از آن را پذیرفته و از بخش دیگری صرف نظر کند و چنین ایمانی مورد پذیرش خدا نیست، اما از طرف دیگر افرادی وجود دارند که تمام آموزه های دینی را در کلیت آن پذیرفته اند، اما در مقام عمل گاهی به دلیل شرایط محیطی و وساوس شیطانی مرتکب پاره ای از گناهان می شوند، اما تلاششان بر این است که با یاد خدا و کمک او بتوانند خود را از گرداب های گناه نجات دهند، و گناه به صورت موردی در زندگی آنان مشاهده می شود و به یک رویه تبدیل نشده و اصل ایمان آنان را زیر سؤال نبرده است. این گونه افراد می توانند به بخشش خدا امیدوار بوده و حتی در این آرزو باشند که خدا نه تنها گناهانشان را آمرزیده، بلکه آنها را به عنوان کرداری نیک در پرونده شان ثبت کند که این نه تنها یک آرزو، بلکه صریح آیه ای از قرآن است! (فرقان/ ۷۰، «فَأُولَئِكَ يَبْدُلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ»).

به هر حال نمی توان در ارتباط با افراد با ایمانی که گناه و ثواب را با هم دارند - که جز معصومان دیگر مردم به گونه ای با شدت و ضعف درگیر این مسئله هستند - قضاوت یکسانی داشت و این پروردگار است که در آخرت با در نظر گرفتن رفتار نیک و زشت آنان و این که کدامشان در زندگی این افراد پررنگ تر بوده، تصمیم نهایی را خواهد گرفت.

داستان دستور امام رضا (علیه السلام) به آب پاشیدن بر قبر یونس بن یعقوب تا چهل روز (یا چهل ماه) و نیز به صدا در آمدن بستر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بعد از مرگ او چه بود؟ آیا این گزارش معتبر است؟

پاسخ اجمالی:

از نظر اسلام، انسان مؤمن پس از مرگ نیز دارای جایگاه والایی است؛ از این رو، گزارش هایی وجود دارد که بعد از مرگ برخی انسان های نیک، معصومان (علیهم السلام) به آنان توجه خاص داشته اند که موضوع اشاره شده در پرسش، یکی از مصادیق آن است: محمد بن ولید نقل می کند که روزی بر سر قبر یونس (بن یعقوب) «شخصیت های مهم فرقه فطحیه»، (۶۶۹۹۳) رفته بودند که صاحب مقبره (مسئول قبرستان) نزد آمد و گفت: شخصی که در این جا دفن شده، چه اندازه

دارای ارزش والایی است که امام رضا (علیه السلام) به من دستور داد که به مدت چهل ماه یا چهل روز، هر روز یک مرتبه بر قبر او آب بپاشم! صاحب مقبره موضوع دیگری را نیز با من در میان گذاشت: سریر (یا بستر) (سریر یعنی چیزی که بر آن تکیه می دهند و می خوابند، مدنی شیرازی، علی خان بن أحمد، الطراز الاول و الكنز لما علیه من لغة العرب المعول، ج ۸، ص ۹۵، مشهد، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث، چاپ اول، ۱۳۸۴ش) پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نزد من است و هرگاه فردی از بنی هاشم بمیرد، («احترام به سادات»، ۹۱۵۹؛ «اعتقاد به امام زاده ها و اعتبار آن»، ۴۶۳؛ «الگو قرار دادن بزرگان و درس گرفتن از زندگی آنان»، ۹۸۲۲۲؛ «حضور ائمه (علیهم السلام) بر سر قبر مؤمنان»، ۱۰۸۲۵۱) این سریر به صدا در می آید و من با خود می گویم که چه کسی از آنان فوت شده؟ تا فردا شود و خبر دقیق به دستم برسد. در شب وفات این مرد نیز بستر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به صدا درآمد. با خود گفتم که کسی از بنی هاشم بیمار نبود، پس کدامشان فوت کرده است؟! همین که روز شد، بنی هاشم نزد آمدند و سریر را گرفتند، و گفتند: یکی از دوستان امام صادق (علیه السلام) که در عراق ساکن بود، وفات کرد (کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفة الرجال، ص ۳۸۶ - ۳۸۷، نشر دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ش).

چون فردا شد بنی هاشم نزد آمدند و بستر را از من گرفته و گفتند که دوستی از دوستان امام صادق (علیه السلام) که در عراق می زیسته فوت کرده است (یعنی به دلیل نزدیک بودن با ائمه در شمار اهل بیت آنان به شمار می آمد). این گزارش در کتاب رجال کشی که کتاب معتبری در دانش شناخت راویان است نقل شده و همین اندازه برای پذیرش آن کافی است. علاوه بر آن، دو راوی این روایت یعنی «علی بن حسن» و «محمد بن ولید» هر دو از راویان شناخته شده و مورد اعتمادند. در ضمن، محتوای این روایت منافاتی با آموزه های کلی دینی ندارد؛ لذا قابل پذیرش است.

آیا هر کس در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان، هزار بار سوره قدر را بخواند، با خوابی که می بیند بر یقینش افزوده خواهد شد؟

پاسخ اجمالی:

از جمله اعمال مخصوص شب ۲۳ ماه رمضان، خواندن هزار مرتبه سوره قدر است. از امام صادق (علیه السلام) در این زمین:

«لَوْ قَرَأَ رَجُلٌ لَيْلَةَ ثَلَاثٍ وَ عَشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ - إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ أَلْفَ مَرَّةٍ لِأَصْبَحَ وَ هُوَ شَدِيدُ الْيَقِينِ بِالْاعْتِرَافِ بِمَا يَخْصُ بِهِ فِينَا وَ مَا ذَاكَ إِلَّا لِشَيْءٍ

عَايَنَهُ فِي نَوْمِهِ؛ اگر کسی در شب بیست و سوم ماه رمضان، هزار بار سوره قدر را بخواند، یقینش در اعتراف به آنچه مخصوص به ما است [ولایت ما] بیشتر می‌شود و این نیست جز به خاطر آنچه در خواب دیده است (طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحکام، تحقیق، موسوی خراسان، ج ۳، ص ۱۰۰، ح ۲۶۲، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق؛ ابن طاووس، علی بن موسی، إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۲۱۱، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق).

در ارتباط با اعتبار این روایت باید گفت؛ این روایت در کتب معتبر نقل شده است و ابن طاووس (ره) ادعا کرده که این روایت با چندین سند متفاوت از امام (علیه السلام) نقل شده است، اما با توجه به این که نام راویان این روایت - جز یک راوی - ذکر نشده است، نمی‌توان در مورد سند آن ابراز نظر دقیقی داشت.

آیا روزه و رمضان در ادیان و ملل گذشته نیز سابقه دارد؟

پاسخ اجمالی:

درباره‌ی این که، ماه رمضان در امت‌های گذشته به همین نام «رمضان» نامیده می‌شده نمی‌توان به طور قطع پاسخ مثبت داد، برخی می‌گویند: «رمضان» نامی است که اسلام بر این ماه گذاشته است و بنابر نظر دیگر (که مشهورتر است)، از زمان جاهلیت بر این نام بوده است (کبیر مدنی، سید علیخان، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، محقق و مصحح: حسینی امینی، محسن، ج ۶، ص ۱۰-۱۱، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق). ابن درید می‌گوید: وقتی که خواستند اسامی ماه‌ها را از لغت قدیمی آن انتقال دهند، آن ماه‌ها را به زمان‌هایی نام‌گذاری کردند که آن ماه مخصوص، اتفاقاً در آن زمان واقع شد، برای نمونه، ماه رمضان مصادف شد با گرمای شدید که به همین نام (یعنی رمضان) نامیده شد (به نقل از: ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۷، ص ۱۶۱، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ق). اما با توجه به این که اولاً: این انتقال اسامی قبل از اسلام بوده است و ثانیاً: مردم عصر جاهلی، حج را در ماه آن انجام می‌دادند (بقره/ ۱۸۹) و اسم آن را می‌دانستند و ثالثاً: ماه‌های حرام را نیز می‌شناختند (بقره/ ۲۱۷) و رابعاً: قرآن نیز به ماه رمضان اشاره کرده است (بقره/ ۱۸۵) که به طور معمول باید برای مردم آشنا بوده باشد تا به آن اشاره کند، همه‌ی این قرائن دلالت دارد که ماه رمضان پیش از اسلام نیز به همین نام نامیده می‌شده است.

درباره‌ی روزه در ادیان گذشته، در قاموس کتاب مقدس

می‌گویند: به طور کلی در تمام اوقات در میان هر طائفه و هر ملت و مذهب، در موقع ورود اندوه و زحمت غیر مترقبه معمول بوده است ... قوم یهود غالباً در موقعی که فرصت یافته می‌خواستند اظهار عجز و تواضع در حضور خدا نمایند، روزه می‌داشتند، تا گناهان خود را اعتراف نموده، به واسطه روزه و توبه، رضای حضرت اقدس الهی را تحصیل نمایند (مصطفوی، حسن، تفسیر روشن، ج ۲، ص ۳۷۲، مرکز نشر کتاب، تهران، ۱۳۸۰ش). از جمله «الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ» - در آیه شریفه: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ» (بقره/ ۱۸۳) ای افرادی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما نوشته شده، همان گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد تا پرهیزکار شوید - استفاده می‌شود که امت‌های گذشته دارای آئین و دین بوده‌اند. البته نه همه آنها، و قرآن کریم معین نکرده که این امت‌ها کدام هستند، چیزی که هست از ظاهر جمله: «كَمَا كُتِبَ ...» بر می‌آید که امت‌های نامبرده اهل ملت و دین بوده‌اند که روزه داشته‌اند، و از تورات و انجیل موجود در دست یهود و نصارا هیچ دلیلی که دلالت کند بر وجوب روزه بر این دو ملت دیده نمی‌شود، تنها در این دو کتاب فرازهایی است که روزه را مدح می‌کند، و آن را عظیم می‌شمارد. اما خود یهود و نصارا را می‌بینیم که تا عصر حاضر در سال چند روز به اشکالی مختلف روزه می‌گیرند، یا از خوردن گوشت و یا از شیر و یا از مطلق خوردن و نوشیدن خودداری می‌کنند. بر اساس روایات نیز، روزه‌ی ماه رمضان بر امت‌های گذشته واجب نبوده و فقط انبیاء آنان در ماه رمضان روزه می‌گرفته‌اند. حفص از حضرت امام صادق (علیه السلام) روایت نموده که آن حضرت فرمود: «آفریدگار روزه‌ی ماه رمضان را بر امت‌های گذشته واجب ننموده بود». راوی عرضه داشت پس مفاد آیه‌ی شریفه‌ی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ» چیست؟ حضرت فرمود: «روزه‌ی ماه مبارک رمضان فقط بر پیامبران واجب بوده و تنها امت اسلام است که بر همه‌ی پیروان توحید برتری یافته و در انجام این فریضه با پیامبران دیگر در یک تراز قرار گرفته است» (شیخ صدوق، فضائل الاشرار الثلاثة، محقق و مصحح: عرفانیان یزدی، غلامرضا، ص ۱۲۴، کتاب فروشی داوری، قم، ۱۳۹۶ق).

همچنین در قرآن کریم داستان روزه زکریا و قصه روزه مریم از سخن گفتن آمده است. و در غیر قرآن مسئله روزه از اقوام بی دین نیز نقل شده است، همچنان که از مصریان قدیم و یونانیان و رومیان قدیم و حتی وثنی‌های هندی تا به امروز نقل شده است که هر یک برای خود روزه‌ای داشته و دارند، بلکه می‌توان

گفت عبادت و وسیله تقرب بودن روزه از اموری است که فطرت آدمی به آن حکم می‌کند (طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان، ترجمه، موسوی همدانی، سید محمد باقر، ج ۲، ص ۷ و ۸، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۴ ش).

سؤال: حکم تزریق آمپول در حال روزه ماه رمضان چیست ؟

جواب: آیات عظام: امام (ره)، بهجت (ره) و سبحانی (حفظه الله):

اگر آمپول جنبه غذایی و تقویتی دارد، بنابر احتیاط واجب، باید از تزریق آن خودداری کرد، ولی اگر جنبه دارویی دارد یا عضو را بی حس می‌کند و یا درد را کاهش می‌دهد، تزریق آن اشکالی ندارد (توضیح المسائل ده مرجع، م ۱۵۷۶؛ بهجت، استفتائات، ج ۲، س ۲۸۶۹؛ سبحانی، توضیح المسائل، م ۱۴۹۴ و احکام جوانان، م ۲۹۴).

آیت الله العظمی امام خامنه ای (مدظله العالی):

احتیاط واجب آن است که روزه دار از آمپول های مغذی یا مقوی و هر آمپولی که در رگ تزریق می شود و انواع سرم ها خودداری کند؛ لکن آمپول های دارویی که در عضله تزریق می شود و نیز آمپول هایی که برای بی حس کردن به کار می رود، مانعی ندارد (خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س ۷۶۷ و استفتا). آیات عظام: سیستانی (حفظه الله) و صافی گلپایگانی (ره):

به طور کلی تزریق آمپول روزه را باطل نمی کند (خواه جنبه غذایی و تقویتی داشته باشد، یا جنبه دارویی و مانند آن) (سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، قبل از م ۹۹۹؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۴۷۳). آیت الله العظمی مکارم شیرازی (حفظه الله):

تمام انواع آمپول های دارویی یا تقویتی که به صورت عضلانی تزریق می شوند و همچنین تزریق عضلانی واکسن برای افراد روزه دار اشکالی ندارد؛ ولی تزریق آمپول ها و سرم هایی که در رگ تزریق می شوند، روزه را باطل می کند (مکارم، توضیح المسائل).

سؤال: اگر فردی به خاطر عذری قوی، پنجاه درصد احتمال دهد که روزه بر او واجب نیست و به همین دلیل روزه نگیرد، ولی بعداً معلوم شود که روزه بر او واجب بوده، از جهت قضا و کفاره چه حکمی دارد؟

جواب: اگر افطار عمدی روزه ماه مبارک رمضان به مجرد احتمال عدم وجوب روزه بر وی باشد، در فرض سؤال علاوه بر قضا، کفاره هم بر او واجب است؛ اما اگر افطار به علت ترس از ضرر باشد و ترس هم منشأ

عقلایی داشته باشد، کفاره واجب نیست، ولی قضا بر او واجب است (استفتائات امام خامنه ای (مدظله العالی)).

سؤال: من معتاد به سیگار هستم و در ماه مبارک رمضان هر چه تلاش می‌کنم که تندخو نباشم، نمی‌توانم و همین باعث ناراحتی زیاد افراد خانواده‌ام شده است و خودم هم از وضعیت دشوارم رنج می‌برم، تکلیف من چیست؟

جواب: روزه ماه مبارک رمضان بر شما واجب است و بنا بر احتیاط واجب جایز نیست در حال روزه سیگار بکشید، و نباید بدون دلیل با دیگران تند برخورد کنید (استفتائات امام خامنه ای (مدظله العالی)).

سؤال: هجده روز روزه به علت مسافرت در ماه مبارک رمضان برای انجام مأموریت دینی بر عهده‌ام می‌باشد، وظیفه من چیست؟ آیا قضای آنها بر من واجب است؟

جواب: قضای روزه‌های ماه مبارک رمضان که بر اثر مسافرت از شما فوت شده، واجب است (اجوبه الاستفتائات، مسأله ۸۰۸).

سؤال: اگر شخصی که نذر کرده، روز معینی را روزه بگیرد، نذر خود را فراموش کند اما آن روز را بدون نیت نذر، روزه بگیرد، آیا وفای به نذر صورت گرفته است؟

جواب: عمل به نذر، تحقق یافته است (استفتائات امام خامنه ای (مدظله العالی)).

سؤال: کسی عهد یا نذر کرده است که چنانچه گناهی کند، روز بعد روزه بگیرد در این صورت اگر عمداً گناه کند ولی روز بعد به سفر ضروری یا غیر ضروری برود، تکلیفش چیست؟

جواب: رفتن به مسافرت گرچه غیر ضروری باشد، اشکال ندارد اما باید قضای روزه را بگیرد (استفتائات امام خامنه ای (مدظله العالی)).

فوت شدن روزه به جهت بیماری کسی که به‌خاطر بیماری روزه ماه رمضان را نگرفته، اگر بیماری‌اش تا ماه رمضان آینده ادامه یابد، قضای روزه‌ها از او ساقط می‌شود و باید برای هر روز یک مد طعام به عنوان فدیة به فقیر بدهد.

اگر انسان بر اثر بیماری روزه ماه رمضان را نگیرد و پس از ماه رمضان بیماری‌اش برطرف شود ولی بلافاصله عذر دیگری پیدا کند و نتواند تا ماه رمضان بعد قضای روزه را بگیرد، باید قضای آن روزه‌ها را در سال‌های بعد بگیرد، همچنین اگر عذر دیگری غیر از بیماری در ماه رمضان داشته باشد و پس از ماه رمضان برطرف شود ولی تا ماه رمضان بعد بر اثر بیماری نتواند روزه بگیرد، باید آن روزه‌ها را قضا کند.

ناسزاگویی به صاحب المیزان در حضور مؤلف!

حجت الاسلام سید محمد تقی قادری:

در سال ۵۴ که بنده یک طلبه‌ی نوجوان بودم، تابستان را برای ادامه تحصیل از قم به مشهد می‌رفتم. در آن ایام، علامه طباطبایی (ره) در مشهد بودند و هر روز ساعت یازده در محلی به پرسش‌های ما پاسخ می‌دادند. ما نیز به همین دلیل اصرار داشتیم که در محضر ایشان حاضر شویم و از ایشان بهره‌مند گردیم. در یکی از روزها، استاد دکترای ادبیات فارسی از علامه طباطبایی (ره) سؤال کرد: این که قرآن می‌گوید: «خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ» آیا جمادات هم زوج خلق شده‌اند؟ علامه طباطبایی (ره) در پاسخ فرمودند: نمی‌دانم. آن استاد دانشگاه مجدداً گفت: شما در تفسیر المیزان استدلال کرده‌اید که جمادات هم زوج خلق شده‌اند. علامه طباطبایی (ره) در پاسخ فرمودند: باید مراجعه کنم. مدت‌ها گذشت و من در درس علامه حسن‌زاده (ره) حاضر شدم و روزی در منزلشان این خاطره را نقل کردم. علامه حسن‌زاده (ره) فرمودند: علامه طباطبایی (ره) تمعداً به دلیل اینکه در مشهد عده‌ای ضد فلسفه بودند، به بعضی پرسش‌ها پاسخ نمی‌دادند. بعد خاطره‌ای از علامه طباطبایی (ره) نقل کردند که علامه فرمودند: روزی خواستم به حرم حضرت رضا (علیه‌السلام) مشرف شوم. یک روحانی به من رسید و گفت: نمی‌خواهید در روضه سیدالشهداء شرکت کنید؟ من با این که آن روحانی را نمی‌شناختم گفتم: حتماً شرکت می‌کنم، چون حضرت رضا (علیه‌السلام) فرموده‌اند: در مجلس عزای جدم شرکت کنید! وارد جلسه که شدیم، من کنار منبر نشستم. گوینده خطاب به مردم گفت: من شما را می‌خواهم در این مجلس از مصیبت بزرگ و ظلم جدیدی خبردار کنم و آن این است که شخصی به نام طباطبایی در قم تفسیری به نام المیزان نوشته است و آنچه نباید بر قرآن وارد می‌شد وارد کرده است. سپس روضه سوزناکی خواند و من هم اشک ریختم. پس از منبر بلند شدم و به وی دست دادم و گفتم:

«از صدر منبر شما بسیار استفاده کردم و از ذیل منبرتان بهره بردم!»





گزیده ای از توصیه ها و سفارش های
امام خمینی (ره) به مناسبت
ماه مبارك رمضان

ماه رمضان شد، و میخانه برافقاد عشق و طرب و باد به وقت سحر افقاد

ماه مبارک رمضان برای امام راحل ارزش خاصی داشت، ایشان در این ماه مبارک ملاقات‌های خود را تعطیل می‌کردند تا بهره بیشتری از برکات این ماه ببرند. می‌فرمودند: «خود ماه رمضان، کاری است» لذا کارهای دیگر را کم می‌کردند و بیشتر به دعا و قرآن می‌پرداختند. در این ماه شعر نمی‌خواندند و نمی‌سرودند و گوش به شعر هم نمی‌دادند و دگرگونی خاصی متناسب با این ماه در زندگی خود ایجاد می‌کردند؛ به گونه‌ای که این ماه را سراسر به تلاوت قرآن مجید، دعا و انجام مستحبات مربوط به ماه مبارک رمضان سپری می‌کردند. غذا بسیار کم می‌خوردند حتی در روزهای بلند و طولانی روزه می‌گرفتند اما وقت افطار و سحر آن قدر کم می‌خوردند که خادمشان فکر می‌کردند آقا چیزی از غذا نخورده.

امام (ره) در بیان توصیه‌ها می‌فرمودند: شما در این چند روزی که به ماه رمضان مانده، به فکر باشید، خود را اصلاح کرده، توجه به حق تعالی پیدا نمایید. از کردار و رفتار ناشایسته خود، استغفار کنید! اگر خدای نخواست، گناهی مرتکب شده‌اید، قبل از ورود به ماه مبارک رمضان، توبه کنید! زبان را به مناجات حق تعالی عادت دهید! مبادا در ماه مبارک رمضان، از شما غیبتی، تهمت

و خلاصه گناهی سر بزنند و در محضر ربوبی، با نعم الهی و در مهمان سرای باری تعالی، آلوده به معاصی باشید! شما اقلاً، به آداب اولیه روزه عمل نمایید و همان طوری که شکم خود را از خوردن و آشامیدن نگه می‌دارید، چشم و گوش و زبان را هم از معاصی باز دارید! از هم اکنون بنا بگذارید که زبان را از غیبت، تهمت، بدگویی و دروغ نگهداشته، کینه، حسد و دیگر صفات زشت شیطانی را از دل بیرون کنید! اگر با پایان یافتن ماه مبارک رمضان، در اعمال و کردار شما هیچ گونه تغییری پدید نیامد، و راه و روش شما با قبل از ماه صیام فرقی نکرد، معلوم می‌شود روزه‌ای که از شما خواسته‌اند، محقق نشده است. اگر دیدید کسی می‌خواهد غیبت کند، جلوگیری کنید و به او بگویید! «ما، متعهد شده ایم که در این سی روز ماه مبارک رمضان، از امور محرمه خود داری ورزیم.» و اگر نمی‌توانید او را از غیبت باز دارید، از آن مجلس خارج شوید! ننشینید و گوش کنید! باز تکرار می‌کنم تصمیم بگیرید در این سی روز ماه مبارک رمضان، مراقب زبان، چشم، گوش و همه اعضا و جوارح خود باشید. توجه بکنید که به آداب ماه مبارک رمضان عمل کنید؛ فقط دعا خواندن نباشد، دعا به معنای واقعی اش باشد.

(صحیفه نور جلد ۱۹، ص ۱۵).



راهکاری برای تدبر در قرآن

«توأمانی ترجمه و تلاوت» در روش شناختی تفسیر امام خامنه ای (مدظله العالی)، نقش عمده و تعیین کننده‌ای در فرآیند فهم قرآن کریم و باورپذیری معارف آن و در نتیجه تحقق عمل قرآنی دارد.

روش تفسیر ایشان دقیقاً الگوی یک «ترجمه تفسیری» یا «ترجمه توضیحی» است. در این روش از تفصیل و مغلق‌گویی‌هایی کلامی، فلسفی، عرفانی، فقهی و ادبی به جد اجتناب می‌شود و سعی مفسر بر این است که ترجمه‌ی توضیحی او پیرامون آیات قرآن به گونه‌ای باشد که خواننده یا مستمع قرآن، از فضای سوره دور نشود و فهم قرآن را در چهارچوب و ساختار سوره دنبال بکند. در این روش، مفسر، شأن اصلی را به آیات قرآن می‌دهد، از اینکه گفته‌های او به تحت‌الشعاع قرار دادن آیات قرآن منجر بشود پرهیز می‌کند و می‌خواهد ارتباط مستقیم مستمع و مخاطب را با آیات قرآن برقرار نماید. امام خامنه ای (مدظله العالی) در توضیح شیوه‌ی تفسیری خود، به این روش تصریح کرده‌اند و آنچه از تفاسیر ایشان ارائه شده است، جز این را نشان نمی‌دهد.

امام خامنه ای (مدظله العالی): «یکی از کارهای مهم این است که ما بتوانیم تلاوت قرآن را بیامیزیم به ترجمه‌ی تفسیری، نه ترجمه‌ی صرف معنی کلمات؛ یک ترجمه‌ی تفسیری که بعضی از ترجمه‌هایی که امروز رائج است و در دست مردم است، همین خصوصیت را دارند که یک نکاتی را در آنجا توجه داده‌اند.» (بیانات در محفل انس با قرآن کریم، ۱۴۰۲/۱/۳).

رهبرانقلاب در محفل انس با قرآن کریم در سال ۱۴۰۲ به مسأله‌ی تلاوت با تدبر اشاره کردند و ترجمه‌ی تفسیری را یکی از راه حل‌های آشنایی با زبان قرآن و تدبر در قرآن دانستند.

نگرش امام خامنه ای (مدظله العالی) به حوزه‌ی ترجمه قرآن کریم، یک «نگرش واقع‌بینانه» است که هم به «وضع مخاطب» نظر دارد و هم معطوف به خصوصیات «زبان قرآن» است؛ به همین خاطر ایشان ضمن عقیده به فهم‌پذیری قرآن کریم بدون وساطت ترجمه، «تدبر» در قرآن و دستیابی به «فهم عالی» از آن و تسریع در امر «جامعه‌سازی دینی» را وابسته به ترجمه‌های خوب از قرآن کریم می‌دانند.

روش ویژه علامه طباطبائی (ره) برای کنترل ذهن

همون جوری که ورزش می کنی بازوی خودت را قوی می کنی، علامه طباطبائی (ره) ورزش می دهد برای کنترل ذهن. در رساله الولایه علامه طباطبائی (ره) می فرماید: مکان خلوتی را انتخاب کن که هیچ مشغول کننده ای از قبیل نور و صدا و غیره در آنجا نباشد، سپس طوری بنشین که مشغول به کاری نشوی و حواست پرت نشود و چشمانت را بسته نگه دار. آن گاه صورتی مثلاً صورت یا یکی از اسماء الله را در خیال خود مجسم کن که کاملاً توجهت به آن معطوف شود و هوشیار باش که هیچ صورت خیالی وارد محوطه صورت الف نشود. در این هنگام که ابتدای کار است در می یابی که صورت های خیالی دیگر مزاحم تو شده و ذهن تو را می خواهند تاریک و مشوش نمایند. پس اگر چند روز به پاکسازی این خیالات مزاحم اقدام نمایی، بعد از مدتی مشاهده می کنی آن خیالات و خواطر رو به کاهش گذاشته و هر روز کم می شود و خیال نیز نورانی می شود. تا اینکه احساس می کنی هر چه به دل و ذهن تو خطور می کند چنان روشن است که گویا آن را با چشم حس خود مشاهده می کنی. آنگاه این خواطر به طوری تدریجی روز به روز کمتر می شود تا اینکه هیچ صورتی با صورت الف باقی نمی ماند. کنترل ذهن یعنی اینکه کسی توجه شما را به چیزی که نمیخواهی جلب نکند.

قدرت ذهن یعنی اینکه هر مقدار خواستی بتوانی درباره یک موضوع فکر کنی.

برگرفته از سخنرانی حجت الاسلام پناهیان



مروری بر بیانات رهبر معظم انقلاب
در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۴۰۲/۰۱/۰۱



درباره تحوّل -- « تحوّل یعنی دگرگونی. آنچه دشمن دنبالش است و اسمش را دگرگونی می گذارد، عبارت است از تغییر هویت جمهوری اسلامی. = هدف آنها حذف همه‌ی چیزهایی است که مردم را به یاد انقلاب و به یاد اسلام می اندازد؛ اسلام ناب و اسلام انقلابی. = به طور خلاصه، هدف دشمن تبدیل مردم سالاری اسلامی به یک حکومت باب میل استکبار است. = آنچه بنده از کلمه‌ی تحوّل به عنوان تحوّل اراده می کنم، عبارت است از: = تغییر بخش‌ها و نقاط معیوب؛ چه در نظام اسلامی، چه در جامعه‌ی ایرانی.

- ملزومات تحول:
۱- اعتماد به نفس ملی
ملّتی که اعتماد به نفس دارد، می تواند اقدامات تحوّل را بخوبی به سرانجام برساند؛
* مسئولان این ملّت هم جرئت می کنند که دم از تحوّل بزنند و اقدام به تحوّل بکنند.
۲- هوشیاری
* اگر هوشیار نباشیم، غافل باشیم، به عنوان تحوّل، به نام تحوّل ممکن است به نقاط قوّت خودمان ضربه بزنیم.

- نقاط قوّت جامعه‌ی ما چیست؟
- یکی از مهم ترین نقاط قوّت:
* استحکام بنیه‌ی درونی نظام اسلامی و ملّت ایران
- نشانه‌ی این استحکام چیست؟
۱- غلبه‌ی ملّت ایران بر زنجیره‌ی خصومت‌های پی در پی چند ده ساله و مقاومت در مقابل توطئه‌های بزرگ
۲- پیشرفت های بزرگ ملت ایران



- همه این پیشرفتهای در دوران تحریم بود:

= پیشرفتهای علمی و فناوری [در زمینه]:

* نانو * زیست فناوری * سلامت * هسته‌ای *
هوا فضا
* دفاعی * پیشرفت در حوزه‌ی زیرساخت‌های
کشور
* پیشرفت در حوزه‌ی روابط خارجی

- اما در کنار اینها نقاط ضعفی هم وجود دارد.

!! درباره نقاط ضعف کشور

بخشهایی که نیاز به تحول دارند:

۱- اقتصاد کشور

* اقتصاد کشور انصافاً یکی از نقاط ضعف ما
است.

* مشکلات اقتصاد ما:

* تصدّی‌گری دولتی

* وابستگی به صادرات نفت خام

* وابستگی به دلار

* رشد اقتصادی ضعیف در دهه ۹۰

* فکر نکردن روی راه‌های مشارکت مردم در
مسائل اقتصادی

* کم‌تحرّکی در تجارت خارجی

* مهار تورّم متوقف است به افزایش تولید و
افزایش تولید، دست مردم است.

۲- بخش تقنین

- سیاستهای کلی تقنین ابلاغ شده است؛
این سیاستها بایستی مورد توجّه قرار بگیرد و
قانونگذاری به شکل کامل و سنجیده‌تر از آنچه
امروز انجام می‌گیرد، انجام بگیرد.

- در جنگ ترکیبی، دشمن از:

* رسانه

* عامل فرهنگی

* عامل امنیتی

* نفوذ

* عامل اقتصادی

- استفاده می‌کند برای اینکه ملت را:

«در محاصره قرار بدهد،

«دچار یأس کند،

«از نیروی خودش غافل کند.

- ملت ایران به همه‌ی کسانی که در اغتشاشات
اخیر [مردم را] تحریک کردند یا از اغتشاشات
حمایت کردند، سیلی زد و به حول و قوّه‌ی الهی
در آینده هم ملت ایران به دشمنانش سیلی
خواهد زد.

- بنده قاطعاً اعلام میکنم که ملت ایران:

* قوی است

* در حال پیشرفت است

* قادر بر رفع عیوب خود است

* قادر به ایجاد تحوّل است

* جبهه‌ی مقاومت را حمایت می‌کند.

- ما حمایت از جبهه‌ی مقاومت را صریحاً اعلام
می‌کنیم و حضور در جنگ اوکراین را قاطعاً رد
می‌کنیم. جنگ اوکراین را در واقع آمریکا راه
انداخت؛ برای گسترش ناتو به سمت شرق.

- درباره بعضی عیوب خود ما مردم که باید
برطرف شود:

۱- اسراف ۲- تجمل‌گرایی افراطی

۳- تعصّب نداشتن درباره تولیدات داخلی

۴- نبود اغماض و گذشت در جاهایی که لازم است.

= «یک توصیه مهم» =

- همه‌ی کسانی که توانایی سخن گفتن با مردم
را دارند و رسانه در اختیارشان است، امیدآفرینی
کنند.

- امیدآفرینی، خودفریبی نیست ... در کنار بیان
ضعفها بایستی امیدآفرینی هم بشود، آینده و
افق روشن در مقابل چشم قرار بگیرد و نشان
داده بشود.

- وضع ما بحمدالله وضع خوبی است ... درست
عکس وضعیّت ما را امروز در این منطقه، دشمن
سرسخت ما یعنی دولت آمریکا دارد ... متحیرند
که در منطقه بمانند یا از منطقه بروند.

خدا را شکر می‌کنیم بر اینکه راه ما روشن
است، بصیرت ما برجا است، گامهای ما بحمدالله
محکم و استوار است و دشمن ما دچار ضعف
است.

پروردگارا! روزبه‌روز بر این موفقیتها بیفز.ا.
پروردگارا! امام بزرگوار ما را که این راه را به روی
ما باز کرد، با اولیائت محشور کن. پروردگارا!
شهدای عزیز ما را که توانستند این حرکت
عظیم را به نتیجه برسانند، با پیغمبر (صلی
الله علیه و آله و سلم)، با شهدای صدر اسلام
محشور بفرما. پروردگارا! قلب ولیّات و حجتت،
ولیّ عصر (ارواحنا فداه) را از ما راضی کن؛ دعا
و شفاعت او را شامل حال ما بفرما؛ ملت ما را
همواره سربلند و عزیز و خوشبخت قرار بده.

زندگی سلام



توصیه های اهل بیت (علیهم السلام)

درباره تغذیه سفر

عدس، تشنگی را از میان می برد، معده را تقویت می کند، درمان هفتاد درد در آن است، صفرا را خاموش می کند و درون را سردی می بخشد.

ایشان، چون سفر می کرد، از این سوبق، جدایی نداشت و چون در کسی از خدمتگزارانش خون به جوش می آمد، به وی می فرمود: «از سوبق عدس بخور؛ چرا که جوش آمدگی خون را فرو می نشاند و حرارت را خاموش می کند»

(الکافی، ج ۶، ص ۳۰۷، ح ۱، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۱، ح ۱۴۲۷).

امام رضا (علیه السلام): در حدیثی می فرمایند: (سوبق عدس تشنگی را زایل می کند و معده را قوت می دهد و صفرا را فرو می نشاند و معده را پاک می کند و هفتاد درد را دواست و هیجان خون و حرارت را برطرف می کند).

برای اینکه در فصل گرما و عطش، در طول روزه داری دچار تشنگی نشوید؛ بعد از خوردن سحری ۱ لیوان آب خنک بردارید، داخل آن ۲ قاشق مربا خوری سوبق عدس و ۲ قاشق مربا خوری شکر قهوه ای مخلوط کرده و بعد شربت را طی سه مرحله بنوشید. این شربت فوق العاده است و مصرف چند لیوان هم هیچ مشکلی ندارد.

امام صادق (علیه السلام):

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، هر گاه افطار می کرد، با حلوا (شیرینی) آغاز می کرد و اگر نمی یافت، با شکر یا چند خرما و اگر اینها هم نبودند، با آب ولرم افطار می کرد و می فرمود: «معه و کبد را تمیز می کند و بو و دهان را خوش بو می سازد و دندان ها را محکم می کند و سیاهی چشم را تقویت می کند و مردمک چشم را پر نور می سازد و گناهان را کاملاً می شوید و هیجان و رگ ها و صفرای غالب را می نشاند و بلغم را قطع می کند و حرارت معده را آرام می کند و سردرد را می برد».

توصیه های طبی:

حلوای خانگی با سوبق کامل با روغن کنجدی یا روغن زیتون یا روغن حیوانی و چهارشیره یا پنچ شیره و یا با شکر قهوه ای؛ این حلوای خوشمزه و مقوی، همراه لیوان دمنوش بادرنجبویه را میل کنید. توصیه: سعی کنید افطار خیلی سبک بخورید و بعد شام و همزمان با هم و یک جا میل نکنید. در خوردن عجله نکنید آرام بخورید و خوب بجویید.

شربت سوبق عدس:

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «سوبق



«شهیده فخرالسادات حسینی» سال ۱۳۴۰ در خانواده ای مذهبی در شهر قم چشم به جهان گشود، نام پدرش سید ابوالفضل و نام مادرش فاطمه سادات بود. درس های کلاسیک را تا سوم راهنمایی خواند. با خدا مشورت کرد که چگونه ادامه تحصیل دهد تا به هدفش برسد. می گفت: خواب دیدم، یک راه مستقیم و یک راه کج را به من نشان دادند. این راه تحصیل من است. اگر استخاره خوب آمد، می روم حوزه. دو سال در حوزه علمیه خواهران به نام «مکتب توحید» درس خواند. ماه رمضان سال ۵۶ بود که بین دوستان حوزوی اش سخنرانی کرد. افشاگری می کرد که آتش گرفتن «سینما رکس آبادان» جنایت طاغوت است، نقشه است. با آن خفقان حاکم، پردل و جرأت بود و در جلسات خانگی هم در بین زنان روشنگری می کرد.

خیرمقدم آقا!

زمانی که امام (ره) به فیضیه تشریف آوردند، فخرالسادات به نمایندگی از خواهران حوزوی؛ با قرائت مقاله ای ضمن خیرمقدم، با امام (ره) تجدید عهد و پیمان نمودند. همان جا بود که جرقه ازدواجش زده شد. فخرالسادات، هر کسی را قبول نمی کرد. می گفت: «باید همدرس و همراه من باشد». اتفاقاً آقای مناف پور، طلبه ای فاضل بود که از فخرالسادات خواستگاری کرد و

بوی بهشت از اینجا میاد

زندگی نامه

«طلبه شهیده فخرالسادات حسینی»



می گفت: «مهم نیست که ظاهرش با من تناسب دارد یا نه! مهم راهش است که با من یکی است». با هم یکی شدند همدرس و همراه.

آرزوی من!

ساده زیست بود. وقتی مادرش یک جفت پستی برای جهیزیه اش خرید، به او گفتند که کادوی اقوام است. وقتی هم که عروس شد، راضی نمی شد تور عروسی به سرش بزنند. می گفت: «این آرزوی من نیست، آرزوی من چیز دیگری است...!»

قمی ام

سال ۵۸، اولین فرزندش زهرا به دنیا آمد. زهرا پنج ساله بود که برادرانش هانی و حسام با فاصله کمی از یکدیگر به دنیا آمدند. همسرش در تهران در دفتر نخست وزیری بود. فخرالسادات حاضر بود با درآمد کمی در قم زندگی کند، اما در تهران نباشد.

شوهرداری

در طی هفت سال زندگی، دائم مستأجر بودند. کرج، تهران و قم زندگی کردند. قبل از شهادت هم قرار بود ساکن مشهد شوند، زادگاه همسرش! وقتی مادرش به سختی این زندگی اعتراض می کرد، می گفت: «اگر همسرم پشت کوه قاف هم برود، با او زندگی می کنم. شوهرداری؛ یعنی این!».

بوی بهشت می آید

یادم است یک روز از خیابان میرداماد تهران رد می شدیم، آنجا پر از مغازه هایی با مبل ها و ظرف های شیک بود، فخرالسادات چشمش به آن ها افتاد و گفت: «این اچقد قشنگن». ولی سریعاً حرفش را پس گرفت و گفت: «خدایا توبه کردم اصلاً دوست ندارم این زیبایی ها رو داشته باشم، همه رو را برای آخرت می خوام». همان جا به خودم گفتم که عشق به دنیا نداشتن را باید از او یاد بگیرم.

صبح بود؛ من به همراه فخری و مادرش برای مراسم سوم شهید حاج احمد کریمی به خانه آن شهید رفتیم، به گلزار شهدا که رسیدیم فخرالسادات گفت: «بوی بهشت از اینجا میاد». به راستی که او بوی بهشت را استشمام کرده بود چرا که بعد از ظهر همان روز به شهادت رسید.

شهادت

شهیده فخرالسادات حسینی اول بهمن ماه ۶۵ در بمباران خیابان باجک (۱۹ دی) قم به همراه دخترش زهرا مناف پور، همسر و دو پسرش به شهادت رسید. این بانوی شهیده در گلزار شهدای علی بن جعفر (علیه السلام) میزبان مهمانان شهادت است.

منبع:

پایگاه مطالعات انقلاب اسلامی حوزه های علمیه
خواهران



صدف مرواریدهای حکمت و کنجینه‌ی یاقوت‌های سخن

نهج البلاغه در کلام اندیشمندان

دکتر طه حسین

«طه حسین» ادیب و نویسنده معروف مصری معاصر، در کتاب «علی و بنوه» داستان مردی را نقل می‌کند که در جریان جنگ جمل دچار تردید می‌شود، با خود می‌گوید چطور ممکن است شخصیت‌هایی از طراز طلحه و زبیر برخطا باشند؟! درد دل خود را با خود علی (علیه السلام) در میان می‌گذارد و از خود علی می‌پرسد که مگر ممکن است چنین شخصیت‌های عظیم بی سابقه‌ای بر خطا روند؟ علی (علیه السلام) به او می‌فرماید: «إِنَّكَ لَمَلْبُوسٌ عَلَيْنِكَ، إِنَّ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ لَا يُعْرِفَانِ بِأَقْدَارِ الرِّجَالِ، اعْرِفِ الْحَقَّ تَعْرِفِ أَهْلَهُ وَاعْرِفِ الْبَاطِلَ تَعْرِفِ أَهْلَهُ؛ تو به سخت در اشتباهی، تو کار واژگونه کرده‌ای، تو به جای اینکه حق و باطل را مقیاس عظمت و حقارت شخصیت‌ها قرار دهی، عظمت‌ها و حقارت‌ها را که قبلاً با پندار خود فرض کرده‌ای، مقیاس حق و باطل قرار داده‌ای.» تو می‌خواهی حق را با مقیاس افراد بشناسی! برعکس رفتار کن! اول خود حق را بشناس، آن وقت اهل حق را خواهی شناخت، خود باطل را بشناس، آن وقت اهل باطل را خواهی شناخت، آن وقت دیگر اهمیت نمی‌دهی که چه کسی طرفدار حق است و چه کسی طرفدار باطل، و از خطا بودن آن شخصیت‌ها در شگفت و تردید نخواهی بود. «طه حسین» پس از نقل جمله‌های بالا می‌گوید: «من پس از وحی و سخن خدا، جوابی پر جلال تر و شیواتر از این جواب ندیده و نمی‌شناسم» (علی و فرزندان، ص ۴۰).

منبع: مرتضی مطهری - سیری در نهج البلاغه - صفحه ۲۰-۱۸.

عبدالوہاب حمورا

«عبدالوہاب حمورا»، استاد علوم اسلامی دانشگاه فؤاد قاهره، درباره محتوای عمیق و گسترده دامنہ علوم مختلف در نهج البلاغه چنین می‌گوید: «نهج البلاغه شامل همه آن چیزهایی است که پژوهشگران بزرگ، استادان اخلاق، فیلسوفان، دانشمندان، پیشوایان مذاهب، و سیاست‌مداران پرهیزکار می‌توانند بگویند یا بنویسند. نیروی شگرف پندها، توصیه‌ها، عمق بینش و ژرفای محتوای نهج البلاغه، به خوبی نشان می‌دهد که این اثر جاودانه، از اندیشه بی نظیر امام علی (علیه السلام) است.»

منبع: درس‌هایی از مکتب اسلام، سال ۱۷، شماره ۴.

استاد امین نخله

«استاد امین نخله»، یکی از صاحب‌نظران مسیحیت، در جواب شخصی که از او درخواست کرده بود که صد کلمه از نهج البلاغه را برای او انتخاب کند، می‌گوید: به خدا قسم نمی‌توانم. چگونه از میان صدها کلمه گهربار تعداد صد کلمه آن را انتخاب کنم. من از انتخاب یک کلمه آن هم عاجز هستم، زیرا این کار درست به این می‌ماند که دانه یاقوتی را از کنار دانه‌های دیگر بردارم. استاد امین نخله می‌گوید: «إِذَا شَاءَ أَحَدُ أَنْ يَشْفِي صَبَابَهُ نَفْسَهُ مِنْ كَلَامِ الْإِمَامِ فَيَقْبَلُ عَلَيْهِ فِي النَّهْجِ مِنَ الدَّقَّةِ وَ لِيَتَعَلَّمَ الْمَشَى عَلَى ضَوْءِ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ؛ (مِائِه کلمه من کلام الإمام علی، استاد امین نخله) هر گاه کسی بخواهد بیماری نفسش را بهبود بخشد، باید به گفتار امام در نهج البلاغه رو آورد. و راه رفتن در پرتو آن کتاب را فرا گیرد.

منبع: مجله مکتب اسلام؛ شماره ۴.

میخائیل نعیمه نویسنده مسیحی

«میخائیل نعیمه» نویسنده مسیحی معاصر لبنان در مقدمه کتاب «الامام علی» تألیف جرج جرداق که او هم یک مسیحی لبنانی است می گوید: «امام علی (علیه السلام) تنها در میدان جنگ قهرمان نبود، در همه جا قهرمان بود: در صفای دل، پاکی وجدان، جذابیت سحرآمیز بیان، انسانیت واقعی، حرارت ایمان، آرامش شکوهمند، یاری مظلومان، تسلیم حقیقت بودن در هر نقطه و هر جا که رخ بنماید. او در همه این میدان ها قهرمان بود.»

منبع: مرتضی مطهری- سیری در نهج البلاغه- صفحه ۲۰-۱۸ (مقدمه کتاب صوت العدالة، ج ۱: ص ۲۲).

علی الجندی رئیس دانشکده علوم در دانشگاه قاهره

با مطالعه نهج البلاغه نوعی خاص از آهنگ موسیقی بر اعماق احساسات انسان پنجه می افکند که از نظر سجع و قافیه و ترتیب کلمات و جملات چنان مرتب است که می توان آن را شعر منشور نامید (مقدمه کتاب علی بن ابیطالب شعره و حکمه).

شیخ محمود شکری آلوسی

«شیخ شهاب الدین محمود شکری آلوسی بغدادی» می گوید: «هذا کتابا قد استودع من خطب الإمام علی بن ابی طالب (علیه السلام) ما هو قبس من نور الکلام الإلهی و شمس تضيء بفضاحه المنطق النبوی»؛ (مصادر نهج البلاغه، عبدالزهره، حسینی خطیب، ص ۷۸، ۹۱، ۹۸) این کتاب نهج البلاغه که حاوی خطبه های امام علی بن ابیطالب است، پرتوی از نور سخن الهی دارد، و خورشیدی است که با فصاحت منطق نبوی می درخشد. باز آلوسی می گوید: «آنچه قد اشتمل علی کلام یخیل أنه فوق کلام المخلوقین، دون کلام الخالق، عزوجل قد اعتنق مرتبه الأعجاز و ابتدع ابکار الحقیقه و المجاز»؛ (همان) نهج البلاغه مشتمل بر خطبه های امیر المؤمنین (علیه السلام) است که فوق سخن مخلوق و دون سخن خالق است، نزدیک به مرتبه اعجاز دارد و مبتکر طرق حقیقت و مجاز است.

منبع: الخریده الغیبیه فی شرح القصیده العینیة لأبی الثناء الکوسی ص ۱۳۳ و الناظم هو المرحوم عبد الباکی العمری.

دکتر زکی مبارک

«دکتر زکی مبارک» می گوید: «و انّی لأعتقد أنّ النظر فی کتاب (نهج البلاغه) یورث الرجوله و الشهامه و عظمه النفس، لأنّه من روح قهار واجه المصاعب بعزائم الأسود»؛ (عبقریه الشریف الرضی، ج ۱، ص ۲۹۶) من اعتقاد دارم که مطالعه کتاب نهج البلاغه، روح شهامت و مردانگی و عظمت نفس را تقویت می کند، زیرا از روح پر توانی صادر شده است که در دشواری ها با همت شیروار خود مواجه می گشت. دکتر زکی مبارک در جایی دیگر می گوید: «لامفرّ من الإعتراف بأنّ نهج البلاغه له اصول و الآ فهو شاهد علی أنّ الشیعه کانوا من أقدر الناس علی صناعه الکلام البلیغ»؛ (مصادر نهج البلاغه، ج ۱، ص ۹۱) چاره ای نیست جز این که باید اعتراف کنیم نهج البلاغه اصالت دارد و از اصلی معتبر نقل شده است و گرنه باید بگوییم، شیعه تواناترین مردم جهان در ساختن کلام بلیغ است.

استاد ناصیف یازجی

«استاد ناصیف یازجی»، نویسنده معروف مصری، درباره تأثیرگذاری کتاب نهج البلاغه بر ادبیات و لغت عرب می گوید: «إذا شئت أن تفوّق أقرانک فی العلم و الأدب و صناعة الإنشاء فعلیک بحفظ القرآن و نهج البلاغه»؛ (نظرات فی القرآن؛ محمد غزالی، ص ۱۵۴) از وصیت یازجی به فرزندش ابراهیم) اگر بخواهی از لحاظ علم و ادب و انشاء بر رقیبان برتری پیدا کنی، باید قرآن و نهج البلاغه را حفظ کنی. در جایی دیگر می گوید: «مهارت من در فنّ نویسندگی، در اثر مطالعه و بررسی قرآن کریم و خطبه های شیوای نهج البلاغه است؛ زیرا این دو کتاب با عظمت، گنج بی پایان زبان عربی و ذخیره جاودانه ادب جویان است و محال است که یک نفر ادیب لغت عربی، بدون اینکه شب ها را تا سحر به مطالعه و غور و بررسی این دو کتاب و اندیشه در بهترین اسلوب های آن مشغول باشد، نیازمندی خود را برطرف نماید».

یک فحان کتاب کرم



معرفی کتاب «دختران آفتاب»

رمان «دختران آفتاب» به برخی از پرسش‌های مطرح در حوزه نقش اجتماعی زنان با بیانی روان و داستانی پاسخ می‌دهد. نویسندگان این رمان می‌کوشند تا منزلت، شخصیت و جایگاه واقعی زن را به خودش، اطرافیانش و جامعه‌اش همان گونه که شایسته و بایسته وی است بشناسانند. در این رمان به زیبایی و در سبک و شیوه داستانی به بسیاری از پرسش‌های مطرح درباره نقش اجتماعی زن و لوازم و پیامدهای آن اشاره شده است.

خواننده در لابه لای رمان پاسخ شبهات و پرسش‌های خود را در مسایلی چون کنوانسیون زنان (ص ۹۹)، زن در غرب (۱۰۳)، فمینیسم و جنبش زنان (۱۱۲)، زن در اسلام (۱۳۰)، قضاوت و حکومت زن (۱۷۰)، ارث (۱۷۴)، شهادت و دیه (۱۷۷)، نقصان عقل (۱۸۰)، تعدد زوجات (۲۱۷)، تنبیه زنان (۲۳۷)، کار در منزل (۲۴۰)، طلاق (۲۴۳)، اشتغال (۲۷۰)، همسران نمونه (۲۹۳)، تفاوت‌های زن و مرد (۳۳۰)، حجاب (۲۴۶)، حیا (۳۶۳)، ارتباط دختر و پسر (۳۷۵)، عرف برخورد (۳۹۱)، اقسام ارتباط (۴۰۰) و نمونه‌های راستین زنان (۴۲۸) را می‌یابد بدون آن که از اصل داستان و قصه دور و به آهنگ آن آسیبی برسد.

کتاب از فراز و فرودهای خوبی برخوردار است. ریز داستان‌های جالبی در زمان اردو اتفاق می‌افتد و داستان زندگی بچه‌ها و تجربیاتشان دیدنی است. گم شدن عاطفه یا حضور برادرش هم‌زمان با برگزاری اردو در مشهد، داستان بمب‌گذاری در حرم امام رضا (علیه السلام) و شهادت جمع کثیری از مردم در روز عاشورا که مریم آن را این‌گونه روایت می‌کند نیز جالب است:

«چند قدم دیگر رفتم و دوباره برگشتم به سمت فاطمه.

- فاطمه جان!

سرش را بالا آورد اما این بار نگاهش غریبه بود!

- التماس دعا، فاطمه جان!

- محتاجیم به دعا!

دیگر معطل نکردم و خودم را به کفشداری رساندم. میان دو نیروی متضاد گیر کرده بودم. یکی مرا به درون می‌کشید و دیگری

به بیرون هل می‌داد. نگاهی به برگه‌ی زیارت عاشورا کردم. سعی کردم بفهمم فاطمه کجا را می‌خواند. احساس کردم که حتی صدایش را هم می‌توانم بشنوم.

- «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مَقَامِي هَذَا مِمَّنْ تَنَالُهُ مِنْكَ صَلَوَاتٌ وَرَحْمَةٌ وَمَغْفِرَةٌ».

کفش‌ها را گرفتم. کفش‌های خودم را گذاشتم روی زمین تا پایم کنم. دوباره صدای فاطمه آمد. صاف و شفاف!

- «اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ».

رویم را برگرداندم به سمت صدا. صدای مهیب شدیدی زمین و زمان را به هم ریخت. یا فاطمه‌ی زهرا! احساس کردم چیزی جلوی صورتم منفجر شد. موجی از گرما از روی سر و صورتم گذشت. چشم‌هایم سوخت و گوش‌هایم تیر کشید. بی‌اختیار فریاد زدم: یا فاطمه‌ی زهرا تازه بعد از آن بود که فهمیدم صدای انفجار از توی حرم بوده است... به یاد خواب دیشب افتادم. آتش! فاطمه!...

تقریظ امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) بر کتاب «دختران آفتاب» عصر ۲۱ مهر ۱۳۹۴ در اولین همایش «حیات طیبه؛ پاسداشت ادبیات هنر و ادبیات انقلاب اسلامی» رونمایی شد.

متن تقریظ رهبر انقلاب به شرح زیر است:

بسمه تعالی

پس از نزدیک سه سال توانستم در این روزها - ایام شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها - این کتاب را بخوانم. در میان کتابهای داستانی که هدفش طرح مسائل فکری است، این بهترین کتاب از نویسندگان ایرانی است. طرح کلی داستان و درونمایه‌های داستانی آن خوب و شیرین است. حرف‌ها هم قوی و منطقی است. اتفاقاً پیش از این، کتاب: ... را خوانده‌ام. آن قوی‌تر است. ولی با توجه به برخی ملاحظات (عمدتاً بهره‌برداری نکردن از عامل جنسی در کتاب حاضر) در این کتاب، هنر بیشتری به کار رفته است. باید ترویج شود. تنها نقطه ضعف آن ذکر مشخصات استاد فاطمه است در فصل آخر کتاب.

کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست که ترک نم سرائشت و صفحه بشمارم

از دانشمندان اهل سنت نوشته اند: علی (علیه السلام) در خانه کعبه زاده شد (سید جعفر شهیدی، زندگانی علی (علیه السلام)، ص ۸). این خانه زاد معبود، روز به روز و مرحله به مرحله با شرایط خاصی روبرو می شد که تأییدات الهی و امدادهای غیبی زمینه رشد معنوی و تکامل انسانی را برایش فراهم می ساخت. در شش سالگی او، قریش دچار تنگنای اقتصادی و مشکلات زندگی گردید. ابوطالب پدر امام علی (علیه السلام) نیز به علت عیال مندی در مضیقه قرار گرفت. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به عموی خود عباس پیشنهاد داد که بعضی از فرزندان ابوطالب را نگه داری کنند تا باری از دوش وی برداشته شود و خود، علی (علیه السلام) را برگزید و عباس، جعفر را. این کار سبب شد تا علی (علیه السلام) تحت تربیت مستقیم پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) قرار گیرد و هر روز یکی از صفات پسندیده او را بیاموزد. چنان که خود فرمود: ... او (پیامبر) هر روز یکی از صفات پسندیده اش را بر من آشکار می کرد و مرا می فرمود که به او اقتدا کنم... (نهج البلاغه، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ص ۵۸۹، خطبه قاصعه).

در سایه پرورش مربی والامقامی چون شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از او انسانی ساخته شده بود که سرلوحه زندگی، عشق و ایمان به خدا بود. لذا او نخستین مردی بود که دعوت اسلام را لبیک گفته و به پیامبر ایمان آورد. بهترین گواه این مطلب سخن خود حضرت است که فرمود: روزگاری جز خانه ای که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و خدیجه و من در آن می زیستیم، اسلام در خانه دیگری نبود، نور وحی و رسالت را به چشم خود می دیدم و عطر نبوت را استشمام می کردم. هنگامی که وحی نازل می شد من صدای ناله شیطان را می شنیدم، می پرسیدم: صدای شیطان است، از این که او را بپرستند نومید شده است؛ تو هم می شنوی هرچه را من می شنوم و می بینی آن چه را من می بینم، جز آن که تو پیامبر نیستی ولی تو وزیر منی و تو به راه خیر می روی (همان، ص ۵۸۸). ایمان راسخ علی



علی (علیه السلام) الگوی خوبی ها

نگاهی کوتاه به زندگی سراسر افتخار امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ما را به این حقیقت آشنا می سازد که فضایل و کمالات علی (علیه السلام) چون اقیانوس وسیع و عمیقی است که شناگران ماهر هم نمی توانند به عمق آن رسیده و گوهرهای درخشان آن را بیرون بیاورند. شخصیت فوق العاده حضرت علی (علیه السلام) باعث شده تا تمام دانشمندان و نوابغ بزرگ لب به ستایش او بگشایند. علامه محمدتقی جعفری (ره) می نویسد: (در نتیجه تحقیقات و بررسی های همه جانبه ای که از آغاز ظهور اسلام تاکنون درباره شخصیت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) چه به وسیله مشاهده کنندگان معاصر او و چه بعدها به وسیله متفکران صاحب نظر اسلامی و دیگر ملل صورت گرفته، این حقیقت پذیرفته شده است که شخصیت علی (علیه السلام) چنان که در قلمرو مکتب های الهی (منهای نبوت) در ردیف پیامبرانی مانند ابراهیم، موسی، عیسی، محمد (صلوات الله علیهم) قرار دارد، هم چنان در قلمرو پیش تازان کاروان انسانی که تکامل در انسانیت را هدف گیری نموده اند، در صف اول جای گرفته است (شرح و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۷۰). علی کیست و راز عظمتش چیست؟

پدر علی (علیه السلام) ابوطالب و مادرش فاطمه بنت اسد (س) است. زندگی ایشان از زمان تولد با شگفتی های زیادی همراه بود. عموم عالمان شیعه و گروهی

(علیه السلام) که از او فداکاری بی نظیر ساخته بود، در صحنه امتحان های بزرگ افتخاراتی نصیب وی کرد و او را از همگان ممتاز ساخت. هنوز در عنفوان جوانی بود که قضیه (لیلہ المبیت) برگ درخشان بر کتاب زندگیش افزود. شبی که مشرکان قریش از در و دیوار خانه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بالا رفتند تا او را در بستر بکشند به ناگاه دیدند کسی غیر از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در بستر خوابیده و او کسی جز علی (علیه السلام) نبود که خود را برای رضای خدا و دفاع از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در معرض خطر جدی قرار داده بود و بدین جهت خدایش این جان بازی و فداکاری او را ستوده فرمود: و از مردم کسی است که برای خشنودی خدا جان خویش را فدا می کند و خدا به این بندگان مهربان است (بقره/ آیه ۲۰۷). پس از مهاجرت مسلمانان به مدینه هم که به آنان اجازه دفاع داده شد، علی (علیه السلام) در همه غزوات (یکی از افتخارات علی (علیه السلام) این است که در تمام غزوات پرچم دار پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بود، جز در جنگ تبوک که به دستور پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برای جلوگیری از توطئه منافقان در مدینه ماند: ر.ک: فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۷۷۵). چون سربازی فداکار شرکت کرد و همواره پیشاپیش سپاه اسلام بر دشمن می تاخت. او در راه حفظ اسلام و مصالح مسلمانان از هیچ کوششی دریغ نداشت و در تمام موضع گیری ها به همین هدف توجه می کرد. با این که در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) یکبار تاز میدان های نبرد بود و برای پیروزی اسلام شمشیر می زد و از هیچ دشمنی نمی هراسید، پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) وقتی دید عده ای حق او را نادیده گرفته و مانع رسیدن وی به خلافت شدند، خود را سر دو راهی حساسی دید؛ یک راه، جنگیدن با مخالفان و به دست گرفتن قدرت و رسیدن به حق خود که خطر پراکندگی مسلمانان و بازگشت از دین را به دنبال داشت و راه دیگر، گذشتن از حق مسلم خویش و حفظ اسلام و وحدت مسلمانان. علی (علیه السلام) راه دوم را برگزید و سختی های آن را به جان خرید. البته این بدان معنا نیست که از مطالبه حق خویش و اظهار مظلومیت و روشننگری افکار عمومی سرباز زده باشد بلکه در هر فرصتی که دست می داد، شایستگی و حقانیت خود را ابراز می کرد اما دست به شمشیر نبرد و قیام نکرد؛ بلکه با سکوت حساب شده و منطقی خویش در حفظ اسلام کوشید، چنان که در سخنی به این حقیقت اشاره کرده فرمود: (وایم الله لولا مخافه الفرقه بین المسلمین وان يعود

الکفر و یبور الدین لکننا علی غیر ما کننا لهم علیه؛ به خدا سوگند، اگر بیم تفرقه میان مسلمانان و بازگشت کفر و تباهی دین نبود، رفتار من با آنان طوری دیگر بود). و در جایی دیگر فرمود: دیدم صبر از تفرق کلمه مسلمانان و ریختن خونشان بهتر است، مردم تازه مسلمانند و دین مانند مشکی که تکان داده می شود؛ کوچک ترین سستی تباهش می کند و کوچک ترین فردی آن را وارونه می سازد (شرح ابن ابی الحدید، به نقل از: شهید مطهری، سیری در نهج البلاغه (دفتر انتشارات اسلامی) ص ۱۱۸). پیدا است علی (علیه السلام) همان طوری که در گذشته با جهاد و شمشیر در حفظ اسلام می کوشید، اینک با سکوتی تلخ در فکر حفظ اسلام است. ابن ابی الحدید داستانی را نقل می کند که گویای این حقیقت است: (روزی فاطمه (س) علی (علیه السلام) را به قیام فراخواند، در همین حال فریاد مؤذن بلند شد: اشهد ان محمدا رسول الله، علی (علیه السلام) به زهرا (س) فرمود: آیا دوست داری این فریاد خاموش شود؟ فرمود: نه، فرمود: سخن من جز این نیست (همان، ص ۱۲۱). علی (علیه السلام) برای پست و مقام ارزشی قائل نبود و آن را فقط به عنوان ابزاری برای احقاق حقوق مظلومان و سرکوب ستمگران می پذیرفت (ر.ک: نهج البلاغه، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ص ۹۴، خطبه ۳۳). لذا از همان روزهای نخستین که مسلمانان پس از کشته شدن عثمان با او بیعت کردند، برنامه حکومت خود را براساس خدا محوری اعلام کرد و فرمود: بیعت شما با من کاری نبوده که به تصادف یا بدون اندیشه صورت پذیرفته باشد، کار من با شما یکی نیست؛ من شما را برای انجام کارهای خدایی می خواهم و شما مرا برای منافع خود می خواهید. ای مردم مرا یاری کنید هرچند خلاف میلان باشد. سوگند به خدا، که حق ستم دیده را از ستمگر می ستانم و مهار در بینی ستمگر کرده چون شتر می کشانم تا او را به آبشخور حق برم، اگرچه رفتن به آن را ناخوش دارد (همان، ص ۳۱۱، خطبه ۱۳۶). این ایمان ثابت و صلابت در حق و عدالت خواهی و ستم ستیزی هم چنان در او بود تا هنگامی که جانش را در این راه فدا کرد و در محراب عبادت به فوز عظیم شهادت نایل آمد.

میسر نگردد به کس این سعادت

به کعبه ولادت به مسجد شهادت

منبع:

جعفر فکری، معارف اسلامی؛ مرداد، شهریور، مهر و آبان ۱۳۷۹، شماره ۴۶؛ ص ۵۸.

سفره برکت

موضوعات:

همدلی با نیازمندان؛ محافل قرآنی؛ راز و نیاز و عبادات؛
شب های قدر



زمان شرکت در مسابقه: تا پایان ماه مبارک رمضان
اعلام برگزیدگان: عید سعید فطر

علاقه‌مندان میتوانند آثار خود را برای شرکت در مسابقه به آدرس زیر
در ایتا ارسال نمایند.
[@ZHashemi70](https://www.instagram.com/ZHashemi70)

واحد فرهنگی مدرسه علمیه معصومیه شیراز

لزوم پاسخگویی به شبهات در حوزه اصول دین

سؤال شده که آیا ولایت فقیه معصوم است و باید به حرف او گوش کرد؟ ولایت فقیه معصوم نیست، اما حجت است، همان طور که پزشک معصوم نیست و شاید تجویر اشتباه بدهد، اما حرف او حجت است. بین عصمت و حجت فرق است، که هر چه ولی فقیه می گوید باید عمل کرد، همان طور که داروهای تجویزی یک پزشک باید به طور کامل مصرف شود. ایجاد ناهنجاری هایی چون اختلاس و غیره در نظام جمهوری اسلامی مورد شبهه قرار گرفته است، در جواب باید چند موضوع را مد نظر قرار داد، از جمله تحقیق در این زمینه لازم است و اگر عیبی در این زمینه وجود دارد، نباید آن را توجیه کرد. تضعیف نظام جمهوری اسلامی ایران جنایت است، مردم کشور ما با جانبازی و فداکاری رزمندگان و خون شهدا، انقلاب اسلامی را حفظ کردند، بنابراین باید مراقب بود که این شبهات باعث تضعیف نظام جمهوری اسلامی ایران نشود.

خداوند در قرآن فرموده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» (آیه ۶ سوره حجر) ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد، درباره آن تحقیق کنید، مبدا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید و از کرده خود پشیمان شوید»، هر شبهه ای که در جامعه ایجاد می شود باید به صورت کامل بررسی شود، همچنین رسالت ما تکمیل آن موضوع است تا شبهات در این زمینه رفع شود.

مسئله مهارت آموزی مسئله جدی و حتمی است، امروز همه های زیادی در جامعه وجود دارد، بنابراین بانوان طلبه باید در کنار درس هم به اخلاص برسند و هم پاسخگوی سؤالات و شبهات باشند.

هر فردی یک استعدادی دارد و در یک رشته و یا کار خاص می تواند موفق شود از این رو باید استعداد خود را کشف کند و در آن مسیر قرار گیرد. قصه گفتن برای کودکان و نوجوانان هنر است و بانوان طلبه مستعد باید در این زمینه فعالیت کنند، قرآن کریم ۲۶۸ قصه دارد و پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) با این قصه ها سلمان و ابوذر را تربیت کردند. شهید مطهری (ره) کتاب هایی چون «داستان راستان» تألیف کرد که مورد استقبال بسیاری از مردم قرار گرفت، امروز بانوان طلبه باید در این زمینه فعالیت داشته باشند و مهارت قصه گویی را کسب کنند. ما باید بانوانی تفسیرگو، حدیث خوان و قصه گو در جامعه داشته باشیم، همچنین در میان بانوان طلبه، افرادی باید پاسخگوی شبهات وهابی ها باشند. بانوان طلبه در طول تحصیل باید به طور کامل با اصول دین آشنا شوند و به شبهاتی که در حوزه دین وجود دارند، پاسخ دهند. مثلاً شبهه متبرک بودن ضریح امام حسین (علیه السلام) در زمانی که از ایران به عتبات عالیات منتقل می شد، مطرح کردند. در پاسخ به این شبهه می توان به آیه ۳۶ سوره حج «وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ» و شترهای تنومند را برای شما (در مراسم حج) از شعائر خدا قرار داده ایم» اشاره کرد، یعنی شترهایی که به مکه می روند، چون در راه مکه هستند، شعائر الله محسوب می شوند. شبهاتی درباره ولایت فقیه در جمهوری اسلامی مطرح است، در پاسخ به این سؤالات باید گفت که ولایت فقیه یعنی هر کجا اختلاف شد، یک نفر حرف آخر را بزند که با این توصیف، در تمام دنیا ولایت فقیه وجود دارد. در همه کشورها وقتی اختلافی رخ می دهد، قوه قضائیه آن کشور و یا فردی با عناوین مختلف حضور دارد که حرف آخر را می زند تا به آن اختلاف پایان دهد.

منبع:

حوزه نیوز - برگرفته از سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی

- اعزام ۵۰ نفر از طلاب و خانواده طلاب به شهر مقدس قم و جمکران در تاریخ ۱۶ الی ۱۹ اسفند ۱۴۰۱ بمناسبت میلاد با سعادت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
- شرکت در پیاده روی حرم تا حرم
- احیاء شب نیمه شعبان، دعای پرفیض کمیل، دعای پرفیض ندبه و ...



برگزاری مراسم جشن میلاد امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در روز دوشنبه ۱۵ اسفند ماه ۱۴۰۱
با حضور حدود ۱۰۰ نفر از طلاب و اساتید در مدرسه علمیه معصومیه شیراز همراه با:
- سخنرانی آیت الله هاشمی گلپایگانی با موضوع مهدویت و راه های ارتباط با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
- مولودی خوانی
- اجرای مسابقه
- اهداء جوایز
- برپایی نمایشگاه
- اجرای طرح هر خانه یک پرچم با اهداء پرچم
- طبخ غذا و اطعام مهدوی



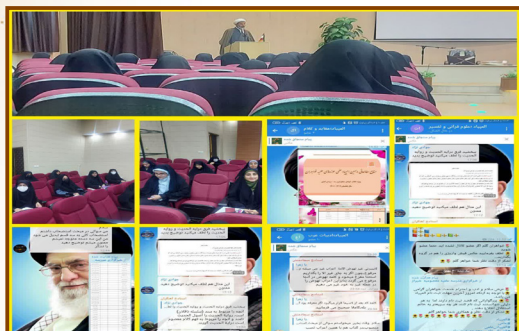
برگزاری مراسم اعیاد شعبانیه در تاریخ سه شنبه ۹ اسفند ماه ۱۴۰۱ با اجرای برنامه های:
- سخنرانی جناب آقای یزدانی استاد حوزه و دانشگاه با رویکرد «عفاف و حجاب»
- مسابقه «یک ون شبه و یک قلب مطالعه»
- برپایی نمایشگاه با رویکرد «عفاف و حجاب و مباحث تربیتی - اخلاقی»
- برگزاری غرفه های متنوع
- مسابقه بهترین کیک و شیرینی و اهداء جایزه به نفرات برتر.



داوری مسابقات حفظ و قرائت قرآن دانش آموزان مدارس آموزش و پرورش توسط مبلغان مدرسه علمیه معصومیه شیراز.



به مناسبت ایام شعبان معظم معاونت پژوهش مدرسه معصومیه شیراز و بیناری با موضوع: «بررسی نقش طلاب خواهر در توسعه علوم اسلامی در عرصه بین الملل» با حضور حجت الاسلام دکتر یحیی جهانگیری در روز شنبه ۶ اسفند ماه ۱۴۰۱ در فضای مجازی اجرا کرد.



شرکت بیش از ۴۰ نفر از طلاب مدرسه معصومیه شیراز در آزمون المپیاد علمی با همت و تشویق معاونت آموزش و پژوهش مدرسه همراه با:

- ایجاد ۵ گروه فعال در ایتا با تفکیک گرایش های آزمون
- دعوت از اساتید مربوطه جهت پاسخگویی و رفع اشکال طلاب
- تهیه و ارسال پیام های انگیزشی و اطلاع رسانی اخبار المپیاد در گروه های مختص هر رشته و گروه های مجازی طلاب مدرسه
- تقدیر و تشکر از اساتید همراه



گزارش فعالیت مبلغان مدرسه معصومیه شیراز در اردو جهادی تاریخی ۲۶، ۲۷، ۲۸ بهمن ماه ۱۴۰۱ در منطقه خفر همراه با گروه جهادی شهید آرمان علی وردی همراه با: - تقسیم مبلغان به گروه های دو یا سه نفره برای پوشش مدارس ابتدایی و راهنمایی کل منطقه

- اجرای برنامه های متنوع فرهنگی مانند داستان گویی، آموزش کاردستی و انجام بازی ها و پخش سرود و صحبت با بچه ها و اهدای هدایا برای دانش آموزان ابتدایی - حضور بین دانش آموزان دبیرستانی در حسینیه یا مدرسه ای که از قبل تعیین شده، اجرای برنامه های فرهنگی از قبیل صحبت در زمینه هایی که مورد نیاز دختران نوجوان هست، اهداء هدایا و برگزاری مسابقات متنوع

و...



برگزاری نشست علمی تربیتی «با رویکرد تبصر پاسخ به شبهات» در روز سه شنبه ۱۲ اسفند ۱۴۰۱ بنا سخنرانی استاد حوزه و دانشگاه جناب دکتر یزدانی در مدرسه معصومیه شیراز



شیراز از معصومیت به علم خوارزمی پیشرفت

سال تحصیلی ۱۴۰۳ - ۱۴۰۲
تحت اشراف نماینده ولی فقیه در
استان فارس و امام جمعه شیراز
آیت الله در کام
(حفظه الله)



مزایای تحصیل در مدارس علمیه:

- توفیق شاگردی مکتب اهل بیت
- اعطای مدرک رسمی کارشناسی
- امکان ادامه تحصیل در مقاطع عالی حوزه و دانشگاه
- امکان شرکت در آزمون های استخدامی
- تحصیل رایگان
- بهره مندی از اساتید برجسته
- کتابخانه و اتاق رایانه
- اردوهای جهادی، علمی، سیاحتی و زیارتی
- مهد کودک جهت نگهداری کودکان طلاب

شرایط ثبت نام:

- دارا بودن مدرک دیپلم و بالاتر
- حداقل معدل ۱۴
- حداکثر سن ۴۰ سال
- آدرس و شماره تلفن:
- ملاصدرا - خیابان خلیلی - کوچه ۴
- ۹۶ - ۰۷۱۳۶۲۶۹۸۹۴
- ۱۳ - ۰۹۱۷۰۳۶۰۲ / ۲۵ - ۰۹۱۷۰۳۶۰۲۴

در این مکان مشاوره خانواده
نیز داده می شود

پدیده خواهران طلبه برای انقلاب آبروست، حضور دانشمندان اسلامی زن در عرصه های مختلف، اثرات بسیار عظیمی را در دنیا می گذارد؛ اعتقاد بنده این است که ما حتماً فقیه زن و مجتهد زن لازم داریم



سال نو مبارک باد



دی DEC 2023 - JAN 2024											
۲۳	۱۶	۹	۳۰	۲۳	۱۶	۹	۳۰	۲۳	۱۶	۹	۳۰
۱۳	۶	۳۱	۲۴	۱۷	۱۰	۳۲	۲۵	۱۸	۱۱	۳۳	۲۶
۴	۱	۱۹	۱۲	۵	۲	۲۰	۱۳	۶	۳	۲۱	۱۴
۲۵	۱۸	۱۱	۴	۲۵	۱۸	۱۱	۴	۲۵	۱۸	۱۱	۴
۱۵	۸	۱	۲۱	۱۵	۸	۱	۲۱	۱۵	۸	۱	۲۱
۲۶	۱۹	۱۲	۵	۲۶	۱۹	۱۲	۵	۲۶	۱۹	۱۲	۵
۱۶	۹	۳۱	۲۴	۱۷	۱۰	۳۲	۲۵	۱۸	۱۱	۳۳	۲۶
۶	۳	۲۱	۱۴	۶	۳	۲۱	۱۴	۶	۳	۲۱	۱۴
۲۷	۲۰	۱۳	۶	۲۷	۲۰	۱۳	۶	۲۷	۲۰	۱۳	۶
۱۷	۱۰	۳۲	۲۵	۱۸	۱۱	۳۳	۲۶	۱۹	۱۲	۳۴	۲۷
۸	۱	۲۰	۱۳	۸	۱	۲۰	۱۳	۸	۱	۲۰	۱۳
۲۸	۲۱	۱۴	۷	۲۸	۲۱	۱۴	۷	۲۸	۲۱	۱۴	۷
۱۸	۱۱	۳۳	۲۶	۱۹	۱۲	۳۴	۲۷	۲۰	۱۳	۳۵	۲۸
۱۹	۱۲	۳۴	۲۷	۲۰	۱۳	۳۵	۲۸	۲۱	۱۴	۳۶	۲۹
۲۹	۲۲	۱۵	۸	۲۹	۲۲	۱۵	۸	۲۹	۲۲	۱۵	۸
۱۹	۱۲	۳۴	۲۷	۲۰	۱۳	۳۵	۲۸	۲۱	۱۴	۳۶	۲۹

بهمن JAN - FEB 2024											
۲۸	۲۱	۱۴	۷	۲۱	۱۴	۷	۲۱	۱۴	۷	۲۱	۱۴
۱۸	۱۱	۴	۲۵	۱۸	۱۱	۴	۲۵	۱۸	۱۱	۴	۲۵
۸	۱	۲۰	۱۳	۸	۱	۲۰	۱۳	۸	۱	۲۰	۱۳
۲۹	۲۲	۱۵	۸	۲۹	۲۲	۱۵	۸	۲۹	۲۲	۱۵	۸
۱۹	۱۲	۳۴	۲۷	۲۰	۱۳	۳۵	۲۸	۲۱	۱۴	۳۶	۲۹
۹	۲	۲۱	۱۴	۹	۲	۲۱	۱۴	۹	۲	۲۱	۱۴
۲۵	۱۸	۱۱	۴	۲۵	۱۸	۱۱	۴	۲۵	۱۸	۱۱	۴
۱۵	۸	۱	۲۱	۱۵	۸	۱	۲۱	۱۵	۸	۱	۲۱
۲۶	۱۹	۱۲	۵	۲۶	۱۹	۱۲	۵	۲۶	۱۹	۱۲	۵
۱۶	۹	۳۱	۲۴	۱۷	۱۰	۳۲	۲۵	۱۸	۱۱	۳۳	۲۶
۶	۳	۲۱	۱۴	۶	۳	۲۱	۱۴	۶	۳	۲۱	۱۴
۲۷	۲۰	۱۳	۶	۲۷	۲۰	۱۳	۶	۲۷	۲۰	۱۳	۶
۱۷	۱۰	۳۲	۲۵	۱۸	۱۱	۳۳	۲۶	۱۹	۱۲	۳۴	۲۷
۸	۱	۲۰	۱۳	۸	۱	۲۰	۱۳	۸	۱	۲۰	۱۳
۲۸	۲۱	۱۴	۷	۲۸	۲۱	۱۴	۷	۲۸	۲۱	۱۴	۷
۱۸	۱۱	۳۳	۲۶	۱۹	۱۲	۳۴	۲۷	۲۰	۱۳	۳۵	۲۸
۱۹	۱۲	۳۴	۲۷	۲۰	۱۳	۳۵	۲۸	۲۱	۱۴	۳۶	۲۹
۲۹	۲۲	۱۵	۸	۲۹	۲۲	۱۵	۸	۲۹	۲۲	۱۵	۸
۱۹	۱۲	۳۴	۲۷	۲۰	۱۳	۳۵	۲۸	۲۱	۱۴	۳۶	۲۹

اسفند Feb - March 2024											
۲۶	۱۹	۱۲	۵	۲۶	۱۹	۱۲	۵	۲۶	۱۹	۱۲	۵
۱۶	۹	۳۱	۲۴	۱۷	۱۰	۳۲	۲۵	۱۸	۱۱	۳۳	۲۶
۶	۳	۲۱	۱۴	۶	۳	۲۱	۱۴	۶	۳	۲۱	۱۴
۲۷	۲۰	۱۳	۶	۲۷	۲۰	۱۳	۶	۲۷	۲۰	۱۳	۶
۱۷	۱۰	۳۲	۲۵	۱۸	۱۱	۳۳	۲۶	۱۹	۱۲	۳۴	۲۷
۸	۱	۲۰	۱۳	۸	۱	۲۰	۱۳	۸	۱	۲۰	۱۳
۲۸	۲۱	۱۴	۷	۲۸	۲۱	۱۴	۷	۲۸	۲۱	۱۴	۷
۱۸	۱۱	۳۳	۲۶	۱۹	۱۲	۳۴	۲۷	۲۰	۱۳	۳۵	۲۸
۱۹	۱۲	۳۴	۲۷	۲۰	۱۳	۳۵	۲۸	۲۱	۱۴	۳۶	۲۹
۲۹	۲۲	۱۵	۸	۲۹	۲۲	۱۵	۸	۲۹	۲۲	۱۵	۸
۱۹	۱۲	۳۴	۲۷	۲۰	۱۳	۳۵	۲۸	۲۱	۱۴	۳۶	۲۹
۹	۲	۲۱	۱۴	۹	۲	۲۱	۱۴	۹	۲	۲۱	۱۴
۲۵	۱۸	۱۱	۴	۲۵	۱۸	۱۱	۴	۲۵	۱۸	۱۱	۴
۱۵	۸	۱	۲۱	۱۵	۸	۱	۲۱	۱۵	۸	۱	۲۱
۲۶	۱۹	۱۲	۵	۲۶	۱۹	۱۲	۵	۲۶	۱۹	۱۲	۵
۱۶	۹	۳۱	۲۴	۱۷	۱۰	۳۲	۲۵	۱۸	۱۱	۳۳	۲۶
۶	۳	۲۱	۱۴	۶	۳	۲۱	۱۴	۶	۳	۲۱	۱۴
۲۷	۲۰	۱۳	۶	۲۷	۲۰	۱۳	۶	۲۷	۲۰	۱۳	۶
۱۷	۱۰	۳۲	۲۵	۱۸	۱۱	۳۳	۲۶	۱۹	۱۲	۳۴	۲۷
۸	۱	۲۰	۱۳	۸	۱	۲۰	۱۳	۸	۱	۲۰	۱۳
۲۸	۲۱	۱۴	۷	۲۸	۲۱	۱۴	۷	۲۸	۲۱	۱۴	۷
۱۸	۱۱	۳۳	۲۶	۱۹	۱۲	۳۴	۲۷	۲۰	۱۳	۳۵	۲۸
۱۹	۱۲	۳۴	۲۷	۲۰	۱۳	۳۵	۲۸	۲۱	۱۴	۳۶	۲۹
۲۹	۲۲	۱۵	۸	۲۹	۲۲	۱۵	۸	۲۹	۲۲	۱۵	۸
۱۹	۱۲	۳۴	۲۷	۲۰	۱۳	۳۵	۲۸	۲۱	۱۴	۳۶	۲۹

مهر SEP - OCT 2023											
۲۹	۲۲	۱۵	۸	۲۹	۲۲	۱۵	۸	۲۹	۲۲	۱۵	۸
۱۹	۱۲	۳۴	۲۷	۲۰	۱۳	۳۵	۲۸	۲۱	۱۴	۳۶	۲۹
۹	۲	۲۱	۱۴	۹	۲	۲۱	۱۴	۹	۲	۲۱	۱۴
۲۵	۱۸	۱۱	۴	۲۵	۱۸	۱۱	۴	۲۵	۱۸	۱۱	۴
۱۵	۸	۱	۲۱	۱۵	۸	۱	۲۱	۱۵	۸	۱	۲۱
۲۶	۱۹	۱۲	۵	۲۶	۱۹	۱۲	۵	۲۶	۱۹	۱۲	۵
۱۶	۹	۳۱	۲۴	۱۷	۱۰	۳۲	۲۵	۱۸	۱۱	۳۳	۲۶
۶	۳	۲۱	۱۴	۶	۳	۲۱	۱۴	۶	۳	۲۱	۱۴
۲۷	۲۰	۱۳	۶	۲۷	۲۰	۱۳	۶	۲۷	۲۰	۱۳	۶
۱۷	۱۰	۳۲	۲۵	۱۸	۱۱	۳۳	۲۶	۱۹	۱۲	۳۴	۲۷
۸	۱	۲۰	۱۳	۸	۱	۲۰	۱۳	۸	۱	۲۰	۱۳
۲۸	۲۱	۱۴	۷	۲۸	۲۱	۱۴	۷	۲۸	۲۱	۱۴	۷
۱۸	۱۱	۳۳	۲۶	۱۹	۱۲	۳۴	۲۷	۲۰	۱۳	۳۵	۲۸
۱۹	۱۲	۳۴	۲۷	۲۰	۱۳	۳۵	۲۸	۲۱	۱۴	۳۶	۲۹
۲۹	۲۲	۱۵	۸	۲۹	۲۲	۱۵	۸	۲۹	۲۲	۱۵	۸
۱۹	۱۲	۳۴	۲۷	۲۰	۱۳	۳۵	۲۸	۲۱	۱۴	۳۶	۲۹

آبان OCT - NOV 2023											
۲۷	۲۰	۱۳	۶	۲۷	۲۰	۱۳	۶	۲۷	۲۰	۱۳	۶
۱۷	۱۰	۳۲	۲۵	۱۸	۱۱	۳۳	۲۶	۱۹	۱۲	۳۴	۲۷
۸	۱	۲۰	۱۳	۸	۱	۲۰	۱۳	۸	۱	۲۰	۱۳
۲۸	۲۱	۱۴	۷	۲۸	۲۱	۱۴	۷	۲۸	۲۱	۱۴	۷
۱۸	۱۱	۳۳	۲۶	۱۹	۱۲	۳۴	۲۷	۲۰	۱۳	۳۵	۲۸
۱۹	۱۲	۳۴	۲۷	۲۰	۱۳	۳۵	۲۸	۲۱	۱۴	۳۶	۲۹
۲۹	۲۲	۱۵	۸	۲۹	۲۲	۱۵	۸	۲۹	۲۲	۱۵	۸
۱۹	۱۲	۳۴	۲۷	۲۰	۱۳	۳۵	۲۸	۲۱	۱۴	۳۶	۲۹
۹	۲	۲۱	۱۴	۹	۲	۲۱	۱۴	۹	۲	۲۱	۱۴
۲۵	۱۸	۱۱	۴	۲۵	۱۸	۱۱	۴	۲۵	۱۸	۱۱	۴
۱۵	۸	۱	۲۱	۱۵	۸	۱	۲۱	۱۵	۸	۱	۲۱
۲۶	۱۹	۱۲	۵	۲۶	۱۹	۱۲	۵	۲۶	۱۹	۱۲	۵
۱۶	۹	۳۱	۲۴	۱۷	۱۰	۳۲	۲۵	۱۸	۱۱	۳۳	۲۶
۶	۳	۲۱	۱۴	۶	۳	۲۱	۱۴	۶	۳	۲۱	۱۴
۲۷	۲۰	۱۳	۶	۲۷	۲۰	۱۳	۶	۲۷	۲۰	۱۳	۶
۱۷	۱۰	۳۲	۲۵	۱۸	۱۱	۳۳	۲۶	۱۹	۱۲	۳۴	۲۷
۸	۱	۲۰	۱۳	۸	۱	۲۰	۱۳	۸	۱	۲۰	۱۳
۲۸	۲۱	۱۴	۷	۲۸	۲۱	۱۴	۷	۲۸	۲۱	۱۴	۷
۱۸	۱۱	۳۳	۲۶	۱۹	۱۲	۳۴	۲۷	۲۰	۱۳	۳۵	۲۸
۱۹	۱۲	۳۴	۲۷	۲۰	۱۳	۳۵	۲۸	۲۱	۱۴	۳۶	۲۹
۲۹	۲۲	۱۵	۸	۲۹	۲۲	۱۵	۸	۲۹	۲۲	۱۵	۸
۱۹	۱۲	۳۴	۲۷	۲۰	۱۳	۳۵	۲۸	۲۱	۱۴	۳۶	۲۹

تقویم رسمی ایران

Nov- Dec 2023

۱۴۰۳

آذر

۲۵	۱۸	۱۱	۴	۲۵	۱۸	شنبه
۲۶	۱۹	۱۲	۵	۱۹	یکشنبه	
۲۷	۲۰	۱۳	۶	۲۰	دوشنبه	
۲۸	۲۱	۱۴	۷	۲۱	سه شنبه	
۲۹	۲۲	۱۵	۸	۲۲	چهارشنبه	
۳۰	۲۳	۱۶	۹	۲۳	پنج شنبه	
۳۱	۲۴	۱۷	۱۰	۲۴	جمعه	

روز جمعه ۱۳ آذرماه، روز سوره اعراس (سوره ۱۱۱) و روز سوره اعراس

نشریه فرهنگی - تربیتی مدرسه علمیه معصومیه شیراز
ویژه نامه ماه مبارک رمضان
شعبه / شماره ۱۲ / بهار ۱۴۰۲

